

به نام خدا

**WWW.KONKURCHI.IR**

konkurchi.ir@gmail.com

# وبسایت کنکور چی !!!

مدیر وبسایت : مهندس سامان

- \* دانلود انواع جزوات کنکوری و ارشد
- \* سوالات کنکور سراسری و آزاد داخل و خارج کشور
- \* سوالات کنکور ارشد همه رشته ها با پاسخ
- \* مصاحبه و کارنامه نفرات برتر کنکور ها
- \* دانلود کتاب های درسی و دانشگاهی و حل مسائل ها
- \* مشاوره تحصیلی کنکور و ارشد همراه با مشاوره آنلاین
- \* سوالات پیام نور و المپیاد و آزمایشگاه ها
- \* دانلود مجموعه تست های طبقه بندی شده
- \* تالار گفتگو برای گرفتن پاسخ هایتان
- \* سایت با ظاهری متفاوت همراه با خلاقیت و خدماتی دیگر...

\* وبسایت کنکورچی هیچ گونه مسئولیتی در قبال تبلیغات ندارد



هنوز فرصت دارید

با یک روش اصیل و علمی  
بهترین رتبه ها را کسب کنید

مؤلف: محدث الدین ظاهري  
۰۹۱۲۶۳۳۵۱۸۶

ارتباط مستقیم

# کتاب و DVD های آکادمی مشاوره تحصیلی محترف ظاهري

(۵) انگیزه و روحیه

- اگر برای کارهایتان برقا نهادید.
- اگر نمی دانید برای درس خواندن از کجا شروع کنید.
- اگر در بعضی از دروس نتیجه دلخواهان را کسب نمی کنید.
- اگر به کسب رتبه ترجیح نظریه داشته باشید.
- برای تمام نتایجی های شماره حل دارید.

(۱) روش مطالعه (۲) روش برنامه ریزی (۳) روش تست زدن (۴) هدف (۵) انگیزه و روحیه

اگر تلاش کم یا زیاد شما نتیجه بخش نبوده است به احتمال زیاد در یکی از موارد زیر دچار مشکل هستید:  
لذا توجه و شناخت تمامی عوامل موثر در کنکور یکی از مهمترین ارکان آماده سازی داوطلبان است که توجه دقیق به این عوامل می تواند موفقیت شما را تا حد بسیار زیادی تضمین کند به همین منظور برای اولین بار در ایران پکیج آموزشی و مشاوره ای آکادمی مشاوره و برنامه ریزی تحصیلی با مجوز رسمی و تاییدیه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در تبراز محدودی منتشر شد تا شما نیز همانند هزاران جوان کنکوری با کمترین هزینه بتوانید به آرزوی تحصیلی خود برسید. روشهایی که در این مجموعه ارائه شده است، شامل روشهای اصیل و تکنیک های کاربردی است که از میان اینها در زمینه کنکور و پژوهش ها در مطالعات و پژوهش ها در زمینه کنکور و روانشناسی و بر اساس یازده سال تجربه شخصی مولف بر روی هزاران داوطلب و رتبه های مختلف کنکور کشف شده است.



- مشکلات اساسی یادگیری و یادآوری مانند: اضطراب و استرس آزمون، ضعف حافظه، یأس و نالمیدی شما رفع می شود
- دقت و سرعت شما در پاسخ به تست ها افزایش می یابد و با شیوه های علمی و روانشناسی تست زدن آشنا می شوید
- بر اساس منحنی یادگیری و فراموشی مغز، یاد می گیرید که مطالب را که مخوانید چگونه صد درصد مطالب از نظر تستی تا روز کنکور در حافظه باقی بماند
- خواندن را برایتان آسان می کند و از مطالعه لذت می برد و سریع تر از آنچه تصور می کنید به خواسته هایتان می رسید
- رهایی از تبلیغ و بی علاقه کی به درس ها، بی حوصلگی، خستگی زودهنگام از مطالعه، خواب آلودگی در عین مطالعه، حواس پرتی و ...
- اشتیاق و علاقه بسیار زیاد به پاسخگویی به تستها و همچنین مطالعه بیشتر و مؤثر ایجاد می شود و شما به تعريف و دیدگاه جدیدی از یادگیری، تفکر پاسخگویی و مطالعه خواهید رسید.
- حتی بعد از سالها ترک تحصیل هم، می توانید درس خواندن را شروع کنید و در کنکور قبول شوید

برای  
آن  
کنکور

## دها رتبه دو رقمی و سه رقمی در کنکور سراسری

مریم هوپناه - رتبه ۶۹ تجربی



کبری درستی - رتبه ۱۱

نگرانی و اضطراب شدیدی از آینده داشتم ولی با استفاده از تکنیک های روش مطالعه و تست زنی و برنامه ریزی جناب آقای ظاهري به سرعت همه مشکلاتم برطرف شد. و به حدی انگیزه ام زیادتر شده بود که وقتی به خاطر کاری کمتر درس می خواندم شدیداً احساس ناراحتی می کردم.



مریم تازش شهرکی  
رتبه ۳۸ سراسری

سارا شوفی  
مهندسه پیشکار

نسوین کریمی  
مهندسه صنایع

آرمنی عاشوری  
پیشکار

فرانک فرحمند دشت  
دندان پیشکار

یاسمون برازنده  
پیشکار

زکیه فلاح  
حقوق

پیسا منزوی  
پیشکار

نسوین رضا زاده زیلوبی - رتبه ۲۷  
اصلی تیپی رمز موفقیت من در کنکور...



فسیم صبحی - پیشکار

با شور و اشتیاق فراوان کمیت و کیفیت مطالعه را بالا بردم ....  
به نظر من شاید مهم ترین چیز برای یک دانش آموز کنکوری برنامه ریزی باشد. زیرا بک دانش آموز کنکوری وقتی برای تلف کردن ندارد و قطب برای رسانی مطالعه را دارد. زیرا بک مطالعه و تست زدن از همه کارهایش میسرد. یعنی دوستی از خود !! کم شروع کردم. شروع سختی بود در آزمون های آزمایشی موسسه مطرح شرکت می کردم و ولی نتیجه مطلوبی کسب نمیکرد. مشاوره ای آقای ظاهري تصریح با ندانه ریزی آقای ظاهري پیشنهاد مادرم را ادامه دیدم و نتیجه آغاز راه موقتم از همین چیز بود. با اینکه چند ماه به کنکور با آکادمی مشاوره ای آقای ظاهري پیشنهاد مادرم را بالا بردم و سرتاسری پیشنهاد مادرم را ادامه دیدم. با شور و اشتیاق فراوان کمیت و کیفیت مطالعه را راه سیدنید به دفعه دهم من را پایاری کردد سپس آزمون را خواهدم. اول از خدا سپس از آقای ظاهري پیشنهاد مادرم را راه سیدنید به دفعه دهم من را پایاری کردد سپس آزمون را خواهدم.

معدل بالاتر - موقفیت قطعی تر - اعتماد به نفس پیشتر - درس خواندن عمیق تر و مفیدتر - سلط عالی روی همه درس ها - کسب رتبه برتر با

برنامه ریزی فردی و پشتیبانی علمی تا روز کنکور

زیر نظر مستقیم مؤلف  
خدمات مکاتبه ای برای شهرستانی ها

نحوه خرید پستی پکیج : علاوه از این در سراسر کشور می توانند هزینه پکیج را به حساب عابر بانک سپه  
شماره حساب ۱۵۰۲۰۳۴۳۰۰۱۲۱۵۰۲ به نام آقای پیرايش واري زموده (قابل واريز در کلیه  
بانک های سپه) و شماره فیش بانکی را همراه با آدرس خود، تلفن اطلاع دهید  
تا لفاظه مجموعه فوق برایتان ارسال گردد.

فروشگاه مرکزی : تهران - خیابان ملاصدرا، شیروان شمالی، میدان شیراز، پلاک ۲۲۴

۰۹۱۲۶۳۳۵۱۸۶ - ۰۹۱۲۶۱۸۵۹۳۳

# فَعْلُ الْجَزْمِيِّيِّ فِي فَصْلِ الْأُولِّ



فعل ماضی ساده منفی به دو طریق ساخته می‌شود:

۱ افزودن «ما»ی نافیه بر سر فعل ماضی. مانند: **ما ضَرِبُوا** ← نزدند

۲ آوردن حرف جازمه «لم» بر سر فعل مضارع و مجزوم نمودن آخر آن. مانند: **لَمْ يَضْرِبُوا** ← نزدند

**تَوْجِيهٌ** حرف جازمه «لم» بر سر فعل مضارع، به صورت ماضی نقلی منفی نیز ترجمه می‌شود. مانند: **لَمْ يَضْرِبُوا** { نزدند } نزد هاند

گزینه «۱»

«لم یستطع» فعل مضارعی است که با حرف جازمه «لم» مجزوم شده و باید یا به صورت ماضی منفی (توانستند) و یا به صورت ماضی نقلی منفی (توانسته‌اند) ترجمه شود که این توضیح فقط در گزینه «۱» دیده می‌شود.

(سراسری افتراضی انسانی ۱۸۵)

«لَمْ يَسْتَطِعُ الْأَعْدَاءُ أَنْ يَكْسِرُوا ظَهَرَ الْمُجَاهِدِينَ الْمُسْلِمِينَ فِي الْحَرْبِ الْمَفْروضَةِ»

۱) دشمنان نتوانستند که پشت رزمدگان را در جنگ تحمیلی بشکنند.

۲) دشمنان نمی‌توانند پشت سلحشوران اسلام را در جنگ تحمیل شده بشکنند.

۳) دشمنان ما قادر نمی‌باشند جنگاوران مجاهد ما را در جنگ تحمیلی شکست بد亨ند.

۴) دشمنان ما قادر نیستند پشت مجاهدان را در جنگ تحمیلی به خاک برسانند.

گزینه «۴»

فعل‌های مضارع «لم یتَلوَثُنَ»، «لم یَبْتَعِدُنَ» و «لم یَقِعُنَ» همگی با حرف جازمه «لم» مجزوم شده و باید به صورت ماضی منفی یا نقلی منفی ترجمه شوند.

(سراسری هنر ۱۸)

«هُؤُلَاءِ الْمُؤْمِنَاتُ لَمْ يَتَلَوَثُنَ بِالْقَنَافِذِ الْأَجْنِبِيَّةِ لَاَنَّهُنَّ لَمْ يَبْتَعِدْنَ عَنِ الْقِيمِ الْإِسْلَامِيَّةِ وَ لَمْ يَقِعُنَ فِي فَخَاطِ الْآخِرِينَ»

۱) این زنان مؤمن به فرهنگ اجنبی آلوده نمی‌شوند، زیرا از ارزش‌های اسلام فاصله نگرفته‌اند و در حیله‌های آن‌ها گرفتار نمی‌شوند.

۲) آن‌ها زنان مؤمنی هستند که به فرهنگ بیگانه خود را آلوده نکرده‌اند، زیرا آن‌ها از ارزش‌های اسلام دور نمی‌شوند و خود را در دام آن‌ها نمی‌اندازن.

۳) اینان زنان مؤمنی هستند که با فرهنگ اجنبی خود را نیالودند، زیرا خود را از ارزش‌های اسلام دور نکردند و در آخرين دام آن‌ها نیافتادند.

۴) این زنان مؤمن به فرهنگ بیگانه آلوده نشده‌اند، زیرا آن‌ها از ارزش‌های اسلامی دور نشده‌اند و در دام‌های دیگران نیافتاده‌اند.

برای ساخت بعضی از زمان‌ها، از ترکیب «کان + فعل ماضی یا مضارع» استفاده می‌شود که دو مورد مهم آن عبارتند از:

ماضی بعید: کان + (قد) + فعل ماضی؛ مانند: **كُنْتُ قَدْ رَأَيْتُهُ مَسْرُورًا** (او را خوشحال دیده بودم).

ماضی استمراری: کان + فعل مضارع؛ مانند: **كَانَ الْمُنَافِقُونَ يَعْلَمُونَ الْحَقِيقَةَ** (منافقین حقیقت را می‌دانستند).

**تَوْجِيهٌ** هرگاه پس از «کان» فعل (ماضی یا مضارع) بیاید، کان با فعل پس از خود از نظر جنس و عدد مطابقت می‌کند ولی اگر اسم بیاید، فقط از نظر جنس مطابقت کرده و از نظر عدد مطابقت نمی‌کند و به صورت مفرد (کان، کانت) می‌آید. مانند:

کانوا يَلْعَبُونَ، كُنَّ يَلْعَبُنَ / كَانَ التَّلَامِيذُ يَلْعَبُونَ، كَانَتِ التَّلَمِيذَاتُ يَلْعَبْنَ

گزینه «۴»

در گزینه‌های (۱) و (۳) «کان» با فعل پس از خود از نظر صیغه مطابقت ندارد و صحیح آن‌ها به ترتیب: «**كَانَ قَدْ ذَهَبَنَا**» و «**كُنْتُ قَدْ خَرَجْتُنَّ**» می‌باشد و در گزینه (۲) نیز چون «**الْتَّلَامِيذُ**» بین «کان» و فعل پس از آن فاصله انداده است بنابراین فعل ناقصه باید به صورت مفرد بیاید. لذا صحیح این گزینه «**كَانَ التَّلَامِيذُ يَلْعَبُونَ فَرَحِينَ**» می‌باشد.

عین الصَّحِيحَ:

۱) **كُنْتُ قَدْ ذَهَبْنَا إِلَى الْمَكَتبَةِ**

۲) **كَانُوا التَّلَامِيذُ يَلْعَبُونَ فَرَحِينَ**

۳) **كُنْ قَدْ خَرَجْنَتُنَّ مِنَ الْحَلْفَةِ**

۴) **كَانَ الْمَرْضَاتُ الْمُؤْمَنَاتُ يَسْهُرْنَ**



گزینه «۳»

«کان + فعل مضارع» معادل ماضی استمراری در زبان فارسی است؛ بنابراین، صحیح گزینه «۲» به این صورت است: «دو کشاورز محصول را درو می‌کردند».

(آزاد انسانی ۱۸۵)

عین الخطأ في الترجمة:

- ۱) سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَ ثَمَانِيَّةَ أَيَامٍ: هفت شب و هشت روز آن را بر آنان مسلط ساخت.
- ۲) كَانَ الْفَلَاحَانِ يَحْصُدُانِ الزَّرْعَ: دو کشاورز محصول را درو کرده بودند.
- ۳) كَانَ يَأْمُرُ بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ: خانواده‌اش را به نماز و زکات فرمان می‌داد.
- ۴) إِنَّ النَّمِيَّةَ تَرَغُّ الضَّغْيَّةَ: همانا سخن چینی کینه را می‌کارد.

گزینه «۴»

همان‌طور که گفته شد، «کان + (قد) + فعل ماضی» ترکیبی است که معادل ماضی بعید در زبان فارسی است. بنابراین ترجمه صحیح «کان... قد أَلْفَوَا»، «تألیف کرده بودند» می‌باشد که در گزینه «۴» آمده است.

(سراسری تهری ۱۸۶)

عین الأصح و الأدق:

«کان العلماء المسلمين قد أَلْفَوا كِتَابًا وَ رِسَالَاتٍ عَدِيدَةً فِي العصُورِ الْمُخْتَلِفَةِ»:

- ۱) دانشمندان مسلمانان کتب و رساله‌های متنوع در زمان‌های متعددی تألیف کرده‌اند.
- ۲) محققان مسلمان کتاب‌ها و مقالات متعددی را در دوران‌های گوناگون تألیف می‌کردند.
- ۳) علمای مسلمان کتاب‌ها و رسائل گوناگون را در عصرها و زمان‌های مختلف نگاشته‌اند.
- ۴) دانشمندان مسلمان کتاب‌ها و رساله‌های متعددی را در عصرهای گوناگون تألیف کرده بودند.

همهی فعل‌های ماضی با افزودن «ما» بر سر آن‌ها منفي می‌شوند:

ما كُنْتُ رَأَيْتُه مَسْرُورًا (او را خوشحال ندیده بودم)

ما كَانُوا يَعْلَمُونَ الْحَقِيقَةَ (حقیقت را نمی‌دانستند)

مضارع مستقبل با افزودن «سَ» و «سَوْفَ» بر سر فعل مضارع، و صورت مستقبل منفي نیز با افزودن حرف ناصبه «أَنْ» بر سر فعل

مضارع و منصوب نمودن آخر آن ساخته می‌شود.

سَاسَافِرُ إِلَى مشهدَ فِي أَيَامِ الْعُطْلَةِ (در تعطیلات به مشهد سفر خواهیم کرد.)

لَنْ أَذْهَبَ إِلَى هذهِ الْمَدِينَةِ (هرگز به این شهر نخواهیم رفت.)



گزینه «۴»

«لن ننسی» مطابق ساختار مستقبل منفي است که باید به صورت «فراموش نخواهیم کرد» ترجمه شود.

(سراسری زبان ۱۸۶)

عین الأصح و الأدق:

«لَنْ نَنْسِي حَفلَةَ تَكْرِيمِ الطَّالِبَاتِ الْمُجَهَّدَاتِ الَّتِي نَجَحْنَ فِي الْمَسَابِقَاتِ الْعَلَمِيَّةِ»:

- ۱) ما جشن سپاس‌گزاری از دانش‌آموزان موفق در مسابقات علمی را هرگز فراموش نمی‌کنیم.
- ۲) جشن احترام به دانشجویان پرتلاش را که در مسابقه‌های علمی شرکت کرده‌اند از یاد نمی‌بریم.
- ۳) مراسم بزرگداشت محصلان کوشایی را که در رقابت‌های علمی پیروز می‌شوند، فراموش نکرده‌ایم.
- ۴) جشن بزرگداشت دانش‌آموزان تلاشگر را که در مسابقات علمی برنده شدند، فراموش نخواهیم کرد.

گزینه «۱»

«لن أرجع» معادل مستقبل منفي است و در گزینه‌های «۱» و «۲» به درستی ترجمه شده است؛ اما در گزینه «۲»، «در کلاس» معادل صحیحی برای «إِلَى الصَّفَّ» نمی‌باشد و همچنین «إِلَى الصَّفَّ» باید در ترجمه جمله اول بباید. ضمن این‌که در زبان فارسی معمولاً فعل در اول جمله به کار نمی‌رود.

(سراسری ریاضی ۱۸۶)

عین الأصح و الأدق:

«أَنَا لَنْ أَرْجِعَ إِلَى الصَّفَّ إِلَّا أَنْ يَحْضُرَ جَمِيعُ الطَّلَابِ»:

- ۱) به کلاس بازخواهیم گشت مگر این که تمام دانش‌آموزان حاضر شوند.
- ۲) برخواهیم گشت مگر اینکه تمام دانش‌آموزان در کلاس حاضر شوند.
- ۳) هرگز به کلاس بر نمی‌گردم مگر همه دانش‌آموزان در کلاس حضور یابند.
- ۴) هرگز به کلاس باز نمی‌گردم مگر اینکه دانش‌آموزان همه کلاس‌ها حضور یابند.

## عربی □ کم حجم و مقوی

خرید برا



موارد زیر به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شوند:

- (الف) فعل مضارع منصوب به حروف ناصبه (أ، كـ، إـنـ، حـتـيـ و لـ). مانند: حـتـيـ يعـبـدـوا اللـهـ (تا خـدا رـا بـپـرـسـتـنـدـ)
- (بـ) امر غائب؛ که با افزودن حرف جازمه «لـ» بر سر صیغه‌های مضارع غائب و متکلم و مجزوم نمودن آخر آن به دست می‌آید. مانند: ليـعـمـلـوا (باـيدـ انجـامـ دـهـنـدـ)

(جـ) خـبـرـ «لـيـتـ» و «لـعـلـ» اگـرـ به صورت فعل مضارع باشد.

مانند: ليـتـ المـوـدـةـ تـسـتـقـرـ بـيـنـ النـاسـ (ایـ کـاشـ دـوـسـتـیـ مـیـانـ مرـدـمـ بـرـقـارـ شـوـدـ)

## گـزـينـهـ «٤»

زـيـراـ تـنـهاـ اـيـنـ گـزـينـهـ فعل مضارع منصوب (ليـسـتـمـرـواـ) رـاـ بهـ صـورـتـ مضارع التـزـامـيـ (تاـ استـثـماـرـ كـنـنـدـ) تـرـجـمـهـ کـرـدهـ استـ.

## عيـنـ الـأـصـحـ وـ الـأـدـقـ: «يـرـىـ الـظـالـمـونـ أـنـفـسـهـمـ قـادـرـينـ عـلـىـ كـلـ شـئـ لـيـسـتـمـرـواـ الـآخـرـيـنـ»

(سراسـرـيـ عمـومـيـ اـنسـانـيـ ٨٣)

- ١) ظـالـمـانـ بـرـاـيـ بـهـرـهـ کـشـيـ اـزـ دـيـگـرـانـ خـودـ رـاـ نـيـرـمـنـدـ وـ قـادـرـ بـهـ هـرـ کـارـيـ نـشـانـ مـيـ دـهـنـدـ.
- ٢) سـتـمـگـرـانـ بـرـاـيـ استـثـمـارـ دـيـگـرـانـ هـرـ کـارـيـ رـاـ اـنـجـامـ مـيـ دـهـنـدـ تـاـ خـودـ رـاـ توـانـاـ نـشـانـ دـهـنـدـ.
- ٣) سـتـمـگـرـانـ اـزـ دـيـگـرـانـ بـهـرـهـ کـشـيـ مـيـ کـنـنـدـ تـاـ خـودـ رـاـ توـانـاـ بـرـ هـرـ کـارـيـ جـاـ بـزـنـدـ.
- ٤) ظـالـمـانـ خـودـ رـاـ بـرـاـيـ اـنـجـامـ هـرـ کـارـيـ توـانـاـ نـشـانـ مـيـ دـهـنـدـ تـاـ دـيـگـرـانـ رـاـ استـثـمـارـ کـنـنـدـ.

## گـزـينـهـ «٤»

«لـ» بـرـ سـرـ «يـسـتـرـيـحـ» حـرـفـ نـاـصـبـهـ استـ. وـ بـاـيـدـ بـهـ صـورـتـ مضارع التـزـامـيـ تـرـجـمـهـ شـوـدـ کـهـ فقطـ درـ گـزـينـهـ «٤» رـعـاـيـتـ شـدـ استـ.

## عيـنـ الـأـصـحـ وـ الـأـدـقـ: «رـُرـتـ صـدـيقـيـ الـتـيـ لـمـ تـشـفـ مـنـ مـرـضـهـاـ ثـمـ خـرـجـتـ سـرـيـعـاـ لـيـسـتـرـيـحـ»

(سراسـرـيـ رـيـاضـيـ ٨٤)

- ١) دـوـسـتـيـ رـاـ کـهـ مـرـبـيـ اوـ مـعـالـجـهـ نـشـدـهـ بـوـدـ زـيـارتـ کـرـدـ وـ بـعـدـ اـزـ رـفـتـنـ مـنـ اـسـتـرـاحـتـ کـرـدـ.
- ٢) رـفـيـقـ رـاـ کـهـ اـزـ مـرـضـ خـودـ شـفـاـ يـافـتـهـ بـوـدـ، مـلـاقـاتـ کـرـدـ وـ بـرـايـ رـاحـتـيـ اوـ شـتـابـانـ خـارـجـ شـدـ.
- ٣) اـزـ دـوـسـتـمـ دـيـدـ کـرـدـ، هـمـانـ کـهـ اـزـ بـيـمـارـيـ شـفـاـ نـيـافـتـهـ استـ.
- ٤) دـوـسـتـمـ رـاـ کـهـ اـزـ بـيـمـارـيـ اـشـ بـهـبـودـ نـيـافـتـهـ بـوـدـ مـلـاقـاتـ کـرـدـ پـسـ فـورـاـ بـيـرونـ رـفـتـمـ تـاـ اـسـتـرـاحـتـ کـنـدـ.

www.konkuchi.ir

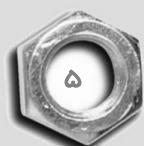
## گـزـينـهـ «٣»

زـيـراـ اـمـرـ غـائـبـ (ليـعـلـمـ) درـ اـيـنـ گـزـينـهـ بـهـ جـايـ مضارع التـزـامـيـ اـشـتـاهـ بـهـ صـورـتـ مضارع اـخـبارـ تـرـجـمـهـ شـدـ استـ.

(سراسـرـيـ هـنـرـ ٨٥)

## عيـنـ الـخـطاـ:

- ١) ماـ مـنـعـتـ الـأـمـمـ الـإـسـلـامـيـةـ عـنـ الطـبـيـاتـ مـنـ الـأـرـزـاقـ: اـمـتـ اـسـلـامـيـ اـزـ رـوـزـيـهـ مـنـعـ شـدـهـ استـ.
- ٢) كـانـ الـمـسـلـمـونـ قدـ اـكـتـسـبـواـ درـجـاتـ عـلـمـيـةـ فـيـ الـمـاضـيـ: مـسـلـمـانـانـ درـجـاتـ عـلـمـيـ وـالـايـيـ رـاـ درـ گـذـشـتـهـ بـهـ دـهـسـتـ آـوـرـهـ بـوـدـنـدـ.
- ٣) لـيـعـلـمـ الـطـلـابـ أـنـ النـجـاحـ فـيـ الـاجـتـهـادـ لـاـ فـيـ الـتـكـاسـلـ: دـاـنـشـآـمـوزـانـ مـيـ دـاـنـنـدـ کـهـ مـوـفـقـیـتـ درـ تـلاـشـ استـ نـهـ درـ بـیـکـارـیـ.
- ٤) لـلـفـاـوـكـهـ فـوـائـدـ کـثـيرـهـ وـ هـيـ تـوـفـرـ طـامـ الـانـسـانـ وـ الـحـيـوانـ: مـيـوهـهـاـ فـوـائـدـ بـسـيـارـ دـارـنـدـ وـ آـنـهـاـ غـذـائـ اـنـسـانـ وـ حـيـوانـ رـاـ مـهـيـاـ مـيـ سـازـنـدـ.



فعل شـرـطـ، چـهـ مـاـضـيـ باـشـدـ چـهـ مضـارـعـ، وـ نـيـزـ فعلـ بـعـدـ اـزـ فعلـهـاـ طـلـبـيـ (امرـ وـ نـهـيـ) بهـ صـورـتـ مضـارـعـ التـزـامـيـ تـرـجـمـهـ مـيـ شـودـ:

إنـ تـدرـسـ تـتـجـحـ (اـگـ درـسـ بـخـوـانـيـ، مـوـفـقـ مـيـ شـوـيـ)

فعلـ شـرـطـ

منـ يـجـتـهـدـ کـثـيرـاـ يـرـ شـمـرـأـ عـمـلـهـ (هـرـ کـسـ زـيـادـ تـلاـشـ کـنـدـ، نـتـيـجـهـيـ کـارـشـ رـاـ مـيـ بـيـنـدـ)

فعلـ شـرـطـ

أـدـعـونـيـ أـسـتـجـبـ لـكـمـ (بـخـوـانـيـدـ مـرـ، تـاـ اـجـابـ کـنـمـ شـمـاـ رـاـ)

فعلـ طـلـبـيـ فعلـ پـسـ اـزـ فعلـ طـلـبـيـ

بهـ يـادـ دـاشـتـهـ باـشـيمـ کـهـ فعلـ جـوابـ شـرـطـ نـيـزـ هـمـوارـهـ بهـ صـورـتـ مضـارـعـ اـخـبارـيـ يـاـ آـيـنـدـ تـرـجـمـهـ مـيـ شـودـ.



## گزینه «۱»

با توجه به این که فعل شرط  
باید به صورت مضارع  
التزامی ترجمه شود صحیح  
آن به صورت «انجام دهید»  
می‌باشد نه «انجام  
می‌دادید».

## عین الخطأ:

- ۱) ما نفعلوا من الخير تَجْدُوا ثوابه عِنْدَ اللّٰهِ: آن چه را از نیکی انجام می‌دادید ثوابش را نزد خداوند خواهید یافت.
- ۲) اجتهدی ایتها الطالبُهُ کی تَبْلُغُ هَدْفَكَ: ای دانش‌آموز تلاش کن تا به هدفت برسی.
- ۳) انَّ هَذَا الْقُرْآنُ يَهْدِي لِلّٰتِي هِيَ أَقْوَمُ: براستی این قرآن به راهی که استوارتر است هدایت می‌کند.
- ۴) لَا تَحْقُرُوا شَيْئًا مِّن الشَّرَوْءِ إِنْ صَغِرَ فِي أَعْيُنِكُمْ: چیزی از بدی را کوچک نشمرید اگرچه در دیدگان شما کوچک باشد.

## گزینه «۲»

اگر چه «إِذَا» اسم است و نقش مفعولٌ فيه دارد  
اما از لحاظ معنایی اسم شرط (غيرعامل)  
محسوب شده و در نتیجه، جمله‌ی پس از آن  
شرطی است. لذا فعل اول باید مضارع التزامی  
(متمسک شوند) و فعل دوم مضارع اخباری  
(موفق می‌گردد) ترجمه شود که با گزینه «۲»  
منطبق می‌باشد.

## عین الأصحَّ و الأدقَ: «إِذَا تَمَسَّكَ الْمُسْلِمُونَ بِالثَّقَافَةِ الْإِسْلَامِيَّةِ نَجَحُوا فِي الْحَيَاةِ»

- ۱) آن‌گاه که مسلمانان به تمدن اسلام متول شده باشند، در زندگی‌شان رستگار خواهند شد.
- ۲) هرگاه مسلمانان به فرهنگ اسلامی متمسک شوند، در زندگی موفق می‌گردند.
- ۳) هر وقت که مسلمین به تمدن اسلامی پناه برده‌اند، در زندگی خویش پیروز شده‌اند.
- ۴) چون مسلمانان به فرهنگ اسلامی پایبند شده‌اند، در زندگی موفق می‌شوند.

«تون تأکید» در فعل‌های امر و مضارع و به دو شکل خفیفه (ن) و ثقلیه (ن) ظاهر می‌شود و معمولاً در هر دو حالت، فعل مبني بر فتح می‌باشد.

تَكْبُرُ ← تَحْسِبَنَ ← تَكْبِينُ



**نحوه** برای تشخیص صیغه فعل‌هایی که نون تأکید دارند، نون تأکید را حذف نموده و فتحه‌ی ماقبل آن را به ضمه تبدیل می‌کنیم. مانند: يَخْرُجُ ← يَخْرُجُ (صیغه‌ی اول)



صیغه‌های «۲» و «۶» ماضی باب‌های ثلثی مزید، با صیغه‌های «۲» و «۳» امر حاضرشن، شبیه به هم بوده و تنها اختلاف آن‌ها در حرکت عین الفعل است که در ماضی مفتوح و در امر مكسور است

مانند: إِجْتَبَيْوَا (ماضی)، إِجْتَبَيْتُمْ (امر)، آمِنَوْا (ماضی)، آمِنْتُمْ (امر)، إِنْقَلَبَ (ماضی)، إِنْقَلَبْتُمْ (امر)

**نحوه** در دو باب «تفاعل» و «تفعل» ماضی و امر صیغه‌های فوق کاملاً شبیه به هم است و تنها از طریق ترجمه قابل تشخیص‌اند. مانند: تَمَرَّدُوا، تَعَاهَدُوا (هم ماضی و هم امر)

## ما هو الخطأ:

- ۱) لَا تُجَادِلُوا أهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالّٰتِي هِيَ أَحْسَنُ: با اهل کتاب جدل نکردن؛ مگر به روشه که نیکوتر است.
- ۲) يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدُ الْكُفَّارِ وَالْمُنَافِقِينَ: ای پیامبر، با کافران و منافقان مبارزه کن.
- ۳) لَا تُبَطِّلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمُنَّ وَالْأَذَى: صدقاتتان را با منت گذاشتن و آزار رساندن باطل مکنید.
- ۴) إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنفُسِكُمْ: اگر نیکی کنید، به خودتان نیکی می‌کنید.

## گزینه «۴»

گزینه «۴» از باب إفعال بوده و چون عین الفعل مفتح  
می‌باشد، ماضی است نه امر و در مورد گزینه «۳» نیز همان‌طور  
که گفتیم، ماضی و امر صیغه‌های «۲» و «۳» در دو باب «تفاعل  
و تفاعل» کاملاً شبیه به همان‌دند، بنابراین «تعاونوا» هم فعل امر و  
هم فعل ماضی است و فقط در ترجمه از هم قابل تشخیص‌اند.

## أيُّ جوابٍ لا يكونُ أمراً؟

- ۱) آمِنَوا
- ۲) إِنْقَلَبْنَ
- ۳) تَعَاوَنُوا
- ۴) إِجْتَمَعَا

## عربی □ کم حجم و مقوی

دو باب إفعال و تفعيل برای متعددی کردن فعل لازم به کار می‌روند لذا فعل‌هایی نیز که در این دو باب می‌آیند متعددی هستند؛ مگر برخی استثنایات نظیر: أَفْلَحَ (رسنگار شد)، أَمْطَرَ (بارید)، أَفَاقَ (بیدار شد)، أَزْهَرَ (شکفت)، أَضَاءَ (روشن شد)، فَكَرَّ (اندیشید) و ... بنابراین برای متعددی کردن فعل لازم، کافی است آن را به یکی از این دو باب ببریم یا آنکه، پس از فعل لازم و بر سر مفعول (از نظر معنا)، حرف جر مناسب (معمولاً بـ) قرار دهیم. مانند:

جلس (نشست) ←→ مجلس (نشاند) / ضحک (خندید) ←→ ضحک (خنداند)

ذهب علی (علی رفت) ←→ ذهب علی (علی را برد) / جاء الحق (حق آمد) ←→ جاءَ النَّبِيُّ بِالْحَقِّ (پیامبر حق را آورد)

باب‌های إنفعال، إفتعال، تفاعل و تفعيل برای مطاوعة (پذیرش اثر فعل) به کار رفته و معمولاً لازماند.

كَسَرَتُ الزَّجَاجَ إِنْكَسَرَتْ (شیشه را شکستم و شیشه شکست). ←→ اثر فعل شکستن را پذیرفت.

عَلَمَتُ التَّلَمِيدَ فَتَعَلَّمَ (به دانش آموز یاد دادم، پس، دانش آموز یاد گرفت). ←→ اثر فعل یادداخت را پذیرفت.

هَدَانَا اللَّهُ فَهَنَدَى (خداؤند ما را هدایت نمود؛ پس هدایت شدیم). ←→ اثر فعل هدایت کردن را پذیرفتیم.

**توضیح** فعل‌هایی که در باب إنفعال هستند ممکن است متعدد باشند؛ از جمله: إِفْتَاحَ (گشود)، إِنْتَهَرَ (غنیمت شمرد)، إِخْرَنَ

(ذخیره کرد)، إِتَّبَعَ (پیروی کرد)، إِخْتَارَ (برگزید) و ...

مانند: إِنْتَهَرَا فُرْصَ الْخَيْرِ (فرصت‌های نیک را غنیمت بشمرید).

باب استفعال برای طلب و درخواست و باب‌های مفاعلة و تفاعل برای بیان مشارکت و همکاری به کار می‌روند. با این تفاوت که در باب مفاعلة، مشارکت یک‌طرفه از جانب فاعل صورت می‌پذیرد و طرف دیگر مفعول است؛ لذا باب مفاعلة، متعددی بوده و در ترجمه آن، معمولاً از حرف اضافه «با...» استفاده می‌شود، اما در باب تفاعل، مشارکت دو طرفه است و در ترجمه آن از کلماتی نظیر «با یکدیگر»، «با هم‌دیگر» و ... استفاده می‌کنیم و فعل‌ها در این باب نیز معمولاً لازم هستند. مانند:

أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّيْ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ (از خداوند، پروردگارم، طلب آمرزش می‌کنم و به سوی او توبه می‌کنم).

كَاتَبَ عَلَيْ حَسَنًا (علی با حسن نامه نگاری کرد).

تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى (با یکدیگر در نیکی و همکاری کنند).

مصدر فعل معتل مثال (وصل، ورَدَ و ...)، در باب إِفعال، بر وزن إِيفَال و در باب استفعال، بر وزن إِسْتِيفَال می‌آید:

وصل ←→ ایصال، إِسْتِيَصال      وَرَدَ ←→ ایراد، إِسْتِيَارَاد

مصدر فعل معتل ناقص (رضي، عظلي و هدئي)، در باب إِفعال بر وزن إِفاء (ارضا، اعطاء، اهداء)، در باب تفعيل بر وزن تَفْعِيلَة (تسليه، تربیة، تغذیه)، در باب مفاعلة بر وزن مُفاعَة (مناجاة، ملاقاة، مكافحة)، در باب إِفتعال بر وزن إِفْتَاعَة (اهتداء، ادعاء، ابتلاء)، در باب تفاعل بر وزن تفاعي (تلافي، تبانی، تداعی)، در باب تفعيل بر وزن تفَقَّي (ترقی، تجلی، تمنی) و در باب استفعال بر وزن إِسْتِفَاعَة (استرضاء، استعقاء) می‌آید.

### عَيْنَ مَادَةُ كَلْمَةِ «إِعْتِداء»:

١) ع ، ت ، د

٢) ع ، د ، ئ

٣) ع ، ت ، ا

«إِعْتِداء» بر وزن إِفْعَاء و مصدر باب افتعال از ریشه‌ی عدو است که چون حرف علیه پس از الف زائد (ا) آمده، به همزه تبدیل شده است.

### عَيْنَ مَا لِيَسْ مَعْتَلًا نَاقِصًا:

١) اجراء

٢) بقاء

٣) ابتداء

٤) انحصار

گزینه‌های ١ و ٢ و ٣ مصدرهای ثلثی مزید از ریشه‌های ناقص به ترتیب: جری، بقی، حثّ هستند. اما گزینه ٤ مصدر باب افتعال از ریشه‌ی بدأ و مهموز می‌باشد.

باب مفاعلة دارای یک مصدر فرعی بر وزن فَعَال (کتاب، حساب، جهاد) است که در ناقص به فِعَاء (لقاء، بقاء، ولاء) تبدیل می‌شود.

**توضیح**



## گزینه «۱»

با توجه به توضیحاتی که داده شد، و این‌که دو وزن «فَعَاء» و «مَفَاعَة» ریشه‌ی ناقص دارند، به راحتی می‌توان فهمید که هر دو مصدر، ناقص هستند.

## (سراسری عمومی انسانی ۸۱)

۲) ب ق / س و ا

۴) ب ق ئ / س اء

## عَيْنِ مَادَةٍ مَا يَلِي: «بَقاءٌ - مَسَاواةٌ»

۱) ب ق ئ / س و ئ

۳) ب ق و / س و و

یادمان باشد که «الف» هرگز در ریشه فعل وجود ندارد [رد گزینه‌های (۲ و ۴)] و در واقع واو (و) و یاء (ی) هستند که به الف (ا) تبدیل شوند.

لُوچِر

مصدر فعل‌های معتل أجوف (قَوْل، قَوْمٌ و ...)، در باب إفعال بر وزن «إفَالَة» و در باب إستفعال بر وزن «إسْتَفَالَة» می‌آید.

مانند: جوب ← اجابة، استجابة / شور ← اشارة، استشارة

۱۳

## گزینه «۳»

«قام / يَقُومُ» از ریشه «قوم» در باب إفعال و اجوف واوی است. لذا مصدر آن در باب إستفعال بر وزن إستفاله (استقامة) می‌آید.

## عَيْنِ مَصْدَرٍ بَابٍ إِسْتَفَالَةٍ مِنْ «قَامٌ / يَقُومُ»:

۲) إستقامة

۴) إستقيام

۱) إستقام

۳) إستقوام

ماضی و امر بعضی از صیغه‌های دو باب «تفاعل» و «تفعل» کاملاً شبیه به یکدیگرند و فقط در جمله از هم قابل تشخیص‌اند:

التَّلَامِيدُ تَوَاضَعُوا أَمَامَ مُعَلَّمِيهِمْ (دانش‌آموزان در برابر آموزگارشان فروتنی کردند)

أَيْهَا التَّلَامِيدُ! تَوَاضَعُوا أَمَامَ مُعَلَّمِكُمْ (ای دانش‌آموزان! در برابر آموزگارتان فروتنی کنید)

الْجُنُودُ تَمَرَّدُوا عَنْ فَرَامِينَ قَائِدِهِمْ (سربازان از دستورات فرماندهشان سربیچی کردند)

أَيْهَا الْجُنُودُ! تَمَرَّدُوا عَنْ فَرَامِينَ قَائِدِكُمْ (ای سربازان! از دستورات فرمانده‌تان سربیچی کنید)

۱۴

مصدر رباعی مزید دارای دو وزن فعلة (وسوسة) و فعل (وسواس) است.



۱۵

## گزینه «۳»

سایر گزینه‌ها در واقع بر وزن «فَعْلَة» و مصدر باب تفعیلاند و این وزن برای فعل‌های ناقص به کار می‌رود.

## (سراسری ریاضی ۶۶)

۲) تذكرة

۴) تعدیة

## عَيْنِ مَصْدَرٍ بَابٍ «فَعَلَةً»:

۱) تبصرة

۳) ترجمة

## گزینه «۴»

«إِكْتَسَبَ»، «إِنْصَرَفَ»، «إِنْصَرَفَ» و «يَنْجَمِدُ» ثلاثی مزید و از باب‌های «إِفْعَال» و «إِنْفَعَال» می‌باشند.

## ۲) زلزال - حَصَّصَتْ - إِنْصَرَفَ

## ۴) حَصَّصَصَ - يُبَرِّزُلُ - وَسْوَاسَتْ

## عَيْنِ الْمَجْرِدِ الرَّبَاعِيِّ:

۱) إِكْتَسَبَ - يُوَسِّعُ - إِنْصَرَفَ

۳) زلزلوا - وسوس - يَنْجَمِدُ

۱۶

ضمائر متصل نصبی و جری (ه، هما، هم، ها و ...) اگر به فعل متصل شوند، مفعول به و محل منصوبند و متصل شدن این ضمائر به فعل نشانه متعددی بودن فعل است، حتی اگر آن فعل در اصل لازم باشد:

جاءَ أَبُوكَ مِنَ السُّوقِ (پدرت از بازار آمد) ← لازم

جاءَ كُمْ رَسُولُ اللَّهِ (برایتان رسولی از جانب خدا آمد) ← متعددی

عربی □ کم حجم و مقوی



گزینه «۲»

گزینه «۱» به خاطر مجھول بودن فعل و حرف جر «ب»، گزینه «۳» به دلیل این که در باب افعال است و نیز گزینه «۴» با توجه به ترجمه‌ای آن متعدي می‌باشد.

۲) حَزَنَ أَبِي حَزَنًا شَدِيدًا

۴) كَتَبْتُ واجباتي الدراسية

عَيْنَ مَا لَيْسَ مَتَعِدِيًّا:

۱) يُجَاهُ بِعَدِيْدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

۳) أَنْزَلَ اللَّهُ الْأَمْطَارَ لِلنَّاسِ

هر فعلی که مجھول باشد، متعدي است زیرا فقط فعل متعدي مجھول می‌شود.

توضیح

بعضی از فعل‌های متعدي دو مفعولي اند که معمولاً مفعول اول آن‌ها انسان و مفعول دومشان غیر انسان است. برخی از اين فعل‌ها عبارتند از: جَعَلَ (قرار داد)، حَسِبَ (پنداشت)، وَهَبَ (بخشید)، أَعْطَى (عطای کرد)، مَنَحَ (بخشید)، أَبَسَ (پوشاند)، أَفْرَضَ (قرض داد)، سَمَّى (نامید)، ظَنَّ (گمان کرد)، أَذَاقَ (سپرد)، إِتَّخَذَ (گرفت)، آتَى (بخشید)، أَرَى (ارائه کرد، نشان داد) و... دقت کنیم که افعال دو مفعولي، اگر مجھول شوند، مفعول اولشان، مرفوع شده و نقش نائب فاعل می‌گيرد، اما مفعول دوم منصوب باقی می‌ماند.



گزینه «۱»

«جعل» فعل دومفعولي است که «اللغة» مفعول به اول و «اللغة» مفعول به دوم آن است. در گزینه‌های «۳» و «۴» فعل‌های آمده، هیچ یک دومفعولي نیست و به ترتیب «المسلمین» و «معاجم» مفعول به آن‌ها می‌باشد و «قيمة» در گزینه «۴»، معطوف و منصوب بالتبغیة است و همچنین فعل گزینه «۲» لازم است و مفعول ندارد.

عَيْنَ مَا فِيهَا أَكْثَرُ مِنْ مَفْعُولٍ بِهِ وَاحِدٌ

۱) إِنَّ الْقُرْآنَ جَعَلَ اللِّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ لِغَةً عَالَمِيَّةَ

۲) وَالْإِيْرَانِيَّنَ قَدْ حَاوَلُوا لِتَدْوِينِهَا

۳) وَنَرَى الْمُسْلِمِينَ يَتَنَمَّوْ لَهَا

۴) وَضَعُوا مَعاجِمَ مَهِمَّةً وَ قِيمَةً لَهَا

گزینه «۳»

همانطور که گفتیم، «جعل» فعل دومفعولي است، «هُوَ» مفعول به اول و محلًا منصوب و «صديق» فعل دوم و تقديرًا منصوب مفعول به دوم و تقديرًا منصوب می‌باشد (به دليل مضاف شدن به ضمیر متکلم وحده).

(سراسری افتتاحی انسانی ۸۰)

عَيْنَ الصَّحِيحِ عَنْ كَلْمَةِ «صَدِيقٌ» فِي الجَمْلَةِ التَّالِيَّةِ:

«جَعَلَهُ اللَّهُ صَدِيقِي فِي حَيَاتِي حَتَّى الْآنِ»

۱) حال مفردة و منصوب، صاحب الحال: الله

۲) صفة مشبهة و مضارف و منصوب و محلًا

۳) مفعول به ثانٍ و منصوب تقديرًا

۴) نعت و منصوب بالتبغیة لمنعوتھ ضمير «الله»



در تبدیل جمله معلوم به مجھول چنان‌چه فاعل و مفعول هر دو اسم ظاهر باشند پس از حذف فاعل، مفعول را در جای آن قرار داده، مرفوع می‌کنیم و به آن نائب فاعل می‌گوییم و سپس فعل جمله را از نظر جنس با نائب فاعل مطابقت داده و مجھول می‌کنیم.

مانند: أَخْرَجَ	مَرِيمٌ	← أَخْرَجَتْ
الْمُعَلَّمُ		
فَاعِلٌ	مَفْعُولٌ	نَائِبٌ فَاعِلٌ
فعل معلوم		

گزینه «۳»

در گزینه «۱» چون نائب فاعل اسم ظاهر است، فعل مجھول ماقبل آن باید به صورت مفرد (تساعد) باید. در گزینه «۲» فاعل (المعلم) از جمله حذف نشده است و در گزینه «۴» فعل با نائب فاعل از نظر جنس مطابقت ندارد.

ما هو الصحيح عن أسلوب المجھول للعبارات التالية؟

۱) يُسَاعِدُنَ الْتَّلَمِيذَاتُ فِي دروسهنَ

۲) يَضْرِبُ الْمَعْلُومُ التَّلَمِيذَ فِي الصَّفَّ

۳) نُصْرَ الْمُسْلِمُونَ فِي غَزْوَةِ بَدْرٍ

۴) يُرْشِدُ التَّلَمِيذَاتُ فِي المَدَارِسِ



هرگاه مفعول به صورت ضمیر باشد فعل جمله به صیغه‌ی آن ضمیر درآمده و مجھول می‌شود و چنان‌چه فاعل اسم ظاهر نیز داشته باشیم حذف می‌شود.

مانند: يَضْرِبُكِ حَمَدٌ ← تُضْرِبِينَ لَا يُحَفَّرُنَا أَحَدٌ ← لَا نُحَفَّرُ



## گزینه «۱»

چون مفعول ضمیر بارز «نا» می‌باشد همان‌طور که گفتیم فعل می‌باید به صیغه للمتكلم مع الغیر درآمده و سپس مجھول شود. بنابراین مجھول این جمله: لانصر می‌باشد.

## عین الخطأ في المجهول:

- ۱) لا ينصرنا أحداً ← أساعد  
۲) يساعدونـي ← لainصـرـنا  
۳) يذكرـكمـ العـلم ← تـرـشـدـينـ  
۴) علىـيـ يـرـشـدـكـ ← تـرـشـدـيـ



هرگاه مفعول جمع غیراعقل (جمع غیرانسان) باشد، فعل مجھول باید به صورت مفرد مونث باید زیرا همان‌طور که می‌دانیم با جمع غیرانسان همچون مفرد مونث برخورد می‌شود.

مانند: غرس الزارع الأشجار في المزرعة ← غرسـتـ الأشـجـارـ  
معنـيـ غـرسـتـ

**لوجه** «غرست» در اصل «غرسـتـ» بوده که برای دفع التقاء ساکنین به کسره‌ی عارضی تبدیل شده است زیرا هرگاه پس از سکون (ـ) «ال» باید، سکون برای دفع التقاء دو ساکن به کسره تبدیل شود.

## گزینه «۲»

چون نائب فاعل (المصانع) جمع غیراعقل است فعل مجھول باید به صورت مفرد مونث باید بنابراین صحیح آن «هدمـتـ المصـانـعـ» می‌باشد.

## عین ما ليس صحيحاً على حسب قواعد أسلوب المجهول:

- ۱) كـبـتـ مـقـالـاتـ عـلـمـيـةـ فـيـ هـذـاـ الجـمـالـ

۲) هـدـمـ الصـاصـانـعـ فـيـ الـحـرـبـ الـمـفـروـضـةـ السـنـةـ الـماـضـيـةـ

۳) تـشـجـعـ التـلـمـيـذـاتـ فـيـ الـمـدـارـسـ الـمـخـلـفـةـ

۴) تـصـدـرـ بـعـضـ الـمـنـتجـاتـ الـإـيـرانـيـةـ إـلـىـ خـارـجـ الـبـلـادـ



چنان‌چه فعل جمله از فعل‌های دو مفعولی باشد، فقط مفعول اول مرفوع و نائب فاعل می‌شود و مفعول دوم به صورت منصوب و مفعول باقی می‌ماند.

مانند: قدـمـتـكـ هـدـيـةـ ← قـدـمـتـ هـدـيـةـ / جـعـلـكـ اللهـ حـرـاـ ← جـعـلـتـ حـرـاـ

مفعول اول مفعول دوم

## گزینه «۳»

زیرا «حر» مفعول دوم فعل دوم مفعولی «جعل» بوده و باید مفعول و منصوب باقی بماند بنابراین صورت صحیح آن جعلـتـ حـرـاـ می‌باشد.

## عین الخطأ على حسب أسلوب المجهول:

- ۱) تـسـمـعـ هـذـهـ الـجـمـلـةـ

۲) سـوـعـدـتـ فـيـ الدـرـوـسـ

۳) جـعـلـتـ حـرـاـ

۴) وـإـلـىـ اللهـ تـرـجـعـ الـأـمـرـ



**لوجه** «سوـعـدـتـ» در گزینه «۲» در اصل «سـاعـدـتـیـ» بوده و در مجھول الف زائد (ـاـ) به (ـوـ) تبدیل شده است.

در تبدیل جمله معلوم به مجھول یا مجھول به معلوم زمان فعل تغییر نمی‌کند. یعنی اگر فعلی در جمله معلوم ماضی یا مضارع باشد، در جمله‌ی مجھول نیز همان ماضی یا مضارع باقی می‌ماند و یا بالعکس.

## گزینه «۴»

در این گزینه فعل معلوم «اكتـسـبـنـاـ» ماضی است در صورتی که صورت مجھول آن مضارع است و همان‌طور که گفتیم زمان فعل از معلوم به مجھول یا بالعکس تغییر نمی‌کند.

## «بقدر الـكـدـ تـكـتـسـبـ الـمـعـالـيـ!» عـيـنـ الخطـأـ فـيـ الـمـبـنـيـ لـلـمـعـلـومـ: (سراسـرـيـ هـنـرـ ۱۶)

- ۱) ... اـكتـسـبـنـاـ الـمـعـالـيـ!

۲) ... تـكـتـسـبـ الـمـرـأـةـ الـمـعـالـيـ!

۳) ... يـكـتـسـبـ الرـجـلـ الـمـعـالـيـ!

۴) ... نـكـتـسـبـ الـمـعـالـيـ!



فعل‌هایی که بر وزن‌های زیر می‌آیند، مجھول‌اند؛ بنابراین اسم ظاهر مرفوعی که پس از آن‌ها آمده و یا ضمیری که به آخر آن‌ها متصل است عموماً «نائب فاعل» می‌باشد.

فیل: قیل، دیس و ... / افیل: ارید، اقیم و ... / شغال: یقال، یراد و ... / بوقل: یوـجـدـ، یـوـهـبـ و ... / فـعـیـ: رـجـیـ، دـعـیـ و ... / فـعـیـ: یـدـنـیـ، یـرـجـیـ و ... / فـکـ: دـقـ، سـرـ و ... .

دیست مقدسات المسلمين (مقدسات مسلمانان پایمال شد) / **يـوـجـدـ الـاـكـتـابـ** فـيـ الـمـكـتـبـ (کـتابـ درـ کـتابـخـانـهـ یـافتـ مـیـشـودـ)  
نائب فاعل

عربی □ کم حجم و مقوی



**توضیح** وزن «فُكَ» بین صیغه اول فعل ماضی مجھول (اللگایب) و صیغه اول فعل امر حاضر (المخاطب) مشترک است، بنابراین برای تشخیص آن باید به معنای جمله توجه کرد.

**دقَّ الجَرْسُ** (زنگ زده شد)  
ماضی مجهول

أَيْهَا الرَّجُلُ! دُقَّ الْبَابُ (ای مرد! در را بکوب)  
امر حاضر

گزینه «۴»

همانطور که گفته شد وزن «فُعْی» یکی از وزن‌های فعل مجھول ناقص است. در گزینه «۱»، «یقیم» مجھول نیست، بلکه صیغه اول مضارع معلوم باب إفعال است. در گزینه «۲»، اگر چه «قِيل» بر وزن «فَيل» و مجھول است، اما چون فاعل آن «المسلم» حذف نشده، نادرست است و در گزینه «۳» نیز چون نائب فاعل (الشعب) به صورت اسم ظاهر آمده است دلیلی برای آوردن نائب فاعل به صورت ضمیر نیست؛ بنابراین، «عُوا» باید به «دُعَى» تبدیل شود.

عین الصَّحِيحِ فِي الْمَبْنِي لِلْمَجْهُولِ:

(سراسری زبان ۸۱)

- ۱) يقييم اليوم الحفلُ بمناسبة ذكرى انتصار الثورة.
- ۲) قيل المسلمُ كلامُ الحق فخييف الظالم من كلامه.
- ۳) بيع الأرض فدعوا الشعبُ لاستعادة أرضهم.
- ۴) دعى الآباء للحضور في مراسيم إعطاء جوائز الناجحين.

گزینه «۳»

عین الصَّحِيحِ عَنْ كَلْمَةِ «تُعْطِي»: «الَّذِينَ تُعْطِي لَهُمْ إِجازَاتٌ خَاصَّةٌ» (سراسری ریاضی ۸۲)

فعل «تُعطِي» بر وزن «بُعْدَی»  
مضارع مجھول ناقص صیغه للغایبة  
و تقديرًا مرفوع است و «إجازات»  
نائب فاعل آن و مرفوع می باشد.  
بنابراین گزینه «۱» به خاطر  
«المخاطب» و «نائب فاعله: هی»

عین الصَّحِيحِ عَنْ كَلْمَةِ «تُعْطِي»: «الَّذِينَ تُعْطِي لَهُمْ إِجازَاتٌ خَاصَّةٌ»

۱) فعل مضارع، للمخاطب، مجرد ثلاثی، متعدِّل / فعل و نائب فاعله: هی و الجملة فعلية

۲) مضارع، للغایبة، معتل و ناقص، مبني للمجھول، معرف / فعل و نائب فاعله: إجازات\*

۳) فعل، مزید ثالثی، من باب إفعال، معتل و ناقص، مبني للمعلوم، معرف / فعل و مرفوع بضم ظاهرة

۴) معتل و ناقص، متعدِّل، مبني على السكون / فعل و نائب فاعله: أنت و الجملة فعلية

گزینه «۳» به خاطر «مبني للمعلوم» و «مرفوع به ضمة ظاهرة» و گزینه «۴» نیز به خاطر «مبني على السكون» و «نائب فاعله: أنت» اشتباہ می باشد.

فعل‌های مبني (امر حاضر، تمامی صیغه‌های ماضی، صیغه‌های «۶ و ۱۲») مضارع و نیز فعل‌هایی که آخرشان نون تأکید دارد اصولاً مبني بر حرکت لام الفعل (آخرین حرف ریشه فعل) خود می باشند.

مانند: كتبوا (مبني على الضم)، يذهبون (مبني على السكون)، خرجتْ (مبني على الفتح)، تحسَّنَ (مبني على الفتح)

**توضیح** امر حاضر، در صیغه‌های «۲ و ۳ و ۴ و ۵» مبني بر حذف نون اعراب (نون عوض رفع) است: أكتُبوا، أكتُبُوا، أكتُبُوا، أكتُبُوا و نیز فعل امر حاضر از معتل ناقص در صیغه اول مبني بر حذف حرف عله است: إرم، أشُكُ، إرضَ ...



همزهی فعل مهموزالفاء در مصدر باب إفعال به خاطر تناسب با حرکت کسره ماقبل، به «ياء» تبدیل می شود. مانند: إيمان (إِيمَان) / ایثار (إِئْثَار) / و ... . همچنین در ماضی این باب، حرف همزه به دلیل فتحه ماقبل به «آ» تبدیل می شود. مانند: آمنَ (أَمْنَ) / آثرَ (أَئْثَرَ) / و ... . یادمان باشد که در این حالت نباید صیغه‌های ماضی، امر مخاطب و مضارع متکلم وحده را با یکدیگر اشتباه بگیریم. به تفاوت‌های زیر دقت کنید:

آمنَ (ماضی) / آمنُ (امر حاضر) / آمنُ (مضارع متکلم وحده)



هرگاه فعل مهموزالفاء به باب إفعال برود، همزهاش به «تاء» تبدیل شده و در «تاء» این باب ادغام می شود:  
أخذَ ← إِتَّخَذَ ← إِتَّسَخَ ← www.konkuchi.in

همچنین برای راحتی تلفظ و به دلیل استفاده‌ی زیاد، امر حاضر از «أخذَ، سَأَلَ، أَمَرَ، أَكَلَ» به صورت «خُذْ، سَلْ، مُرْ (أُمِرْ)، كُلْ» به کار می رود؛ لذا دقت کنیم این موارد را به دلیل شباهت، با فعل‌های معتل که حرف عله‌شان حذف شده است، اشتباه نگیریم.





در پنج صیغه اول فعل ماضی مضاعف ادغام صورت می‌گیرد، اما نه صیغه پس از آن بدون ادغام است. در فعل مضارع نیز تمامی صیغه‌ها، به جز صیغه‌های ۶ و ۱۲ (جمع مؤنث) ادغام دارند.



**نحوچه** در مورد فعل امر غائب و امر حاضر مضاعف یادمان باشد که: در صیغه‌های ۶ و ۱۲ ادغام صورت نمی‌گیرد و در صیغه‌های ۱ و ۴ و ۷ و ۱۳ و ۱۴ «ادغام و عدم ادغام» هر دو صحیح است اما در بقیه صیغه‌ها، چه امر حاضر و چه غائب، ادغام حتماً صورت می‌پذیرد. مانند:

ماضی: مَدَّ، مَدَّاً، مَدَّا...، مَدَّانَ، مَدَّدَ، مَدَّدَتَ، مَدَّدَتَماً، ...، مَدَّدَنا

مضارع: يَمْدُّ، يَمْدَّاً، يَمْدَّوْنَ...، يَمْدَّدَنَ، يَمْدَّدَنَ، تَمْدُّدَنَ، تَمْدُّدَنَ...، تَمْدُّدَنَ، أَمْدَّ، تَمْدُّدَ

امر حاضر: مُدَّ / أَمْدَدَ، مُدَّاً، مُدَّوا، مُدَّى، مُدَّاً، أَمْدَدَ

امر غائب: لِيَمْدُّ / لِيَمْدَّدَ، لِيَمْدَّا، لِيَمْدَّوْ، لِتَمْدَدَ، لِتَمْدَدَ، لِيَمْدَدَنَ

امر متكلّم: لِأَمْدَّ / لِأَمْدَدَ، لِنَمْدَدَ / لِتَنَمْدَدَ

**نحوچه** حرکت پایانی امر فعل مضاعف در صورت ادغام، به فتحه، کسره یا ضمه تبدیل می‌شود.

در مעתلات، حرف عَلَه متناسب با حرکت حرف ما قبلش به الف (ا)، واو (و) و یاء (ی) تبدیل می‌شود بدین ترتیب که اگر حرف ماقبل حرف عَلَه مفتوح باشد، حرف عَلَه به الف (ا)، اگر مكسور باشد، به یاء (ی)، و اگر مضموم باشد، به واو (و) تبدیل می‌شود. مانند: قَوْل ← قال / مُبِينُ ← مُبِينٌ / إِوْجَاد ← ايجاد



هرگاه حرف عَلَه ساکن و حرف پس از آن نیز ساکن باشد، حرف عَلَه به دلیل التقاء ساکنین (کنار هم قرار گرفتن دو ساکن) حذف می‌شود.



مانند: تَقْوُم ← قُومٌ / تَسِيرٌ ← قُومٌ / تَسِيرٌ ← امر حاضر ← سِيرٌ

«گزینه»<sup>۳</sup>

مرحله‌ی اول اعلال، صحیح و بدون اشکال است. چرا که در صورت مفتوح بودن حرف ماقبل حرف عَلَه، حرف عَلَه به «الف» تبدیل می‌شود (اعلال به قلب). اما در مرحله دوم، «الف و میم» هر دو ساکن هستند، بنابراین حرف عَلَه (الف) را به دلیل التقاء ساکنین حذف می‌کنیم: أَقْمَنَ.

عيَنُ الخطأ في الإعلال:

- (۱) أَقْوَمُوا / أَقْامُوا (هم)
- (۲) أَقْوَمَنَ / أَقْامَنَ (هن)
- (۳) أَقْوِمُوا / أَقْيِمُوا (أنت)
- (۴) أَقْوِمَيْ / أَقْيِمَيْ (أنت)

«گزینه»<sup>۴</sup>

«مصنون» بر وزن مفول، اسم مفعول فعل اجوف از ریشه «صون» است که حرف عَلَه آن

(سبش)<sup>۱۴</sup>

۴) المصنون

۳) المتهم

عيَنُ ما حُذِفَ فِيهِ حِرْفُ الْعَلَةِ:

- (۱) العائد

به دلیل التقاء ساکنین (مصنون) حذف شده است. حرف عَلَه در سایر گزینه‌ها حذف نشده است بلکه در گزینه «۳»، حرف عَلَه واو (وهم) به تاء (ت) تبدیل و سپس در تاء (ت) باب افتعال ادغام شده است (الموتهم ← المتهم) و در گزینه «۱» نیز حرف عَلَه «واو» چون پس از الف زائد آمده به همزه تبدیل شده است (العاود ← العائد).



ضمه و کسره بر حروف عَلَه «واو» و «باء» تقیل (سنگین) است، بنابراین برای سهولت در تلفظ، حرکت حرف عَلَه را به حرف ساکن ماقبل آن می‌دهیم: مانند: بَيْعٌ ← بَيْعٌ / بَيْعٌ ← بَيْعٌ / بَيْعٌ ← بَيْعٌ

**نحوچه** در صیغه‌های (۱) و (۴) و (۷) و (۱۳) و (۱۴) مضارع ناقص، ضمه حرف عَلَه را به دلیل متحرک بودن حرف ماقبل، حذف می‌کنیم. (اعلال به اسکان از طریق حذف حرکت) مانند: يَدْعُونَ ← يَدْعُونَ / يَرْمِيْ ← يَرْمِيْ



صیغه‌های «۱» و «۴» و «۷» و «۱۳» و «۱۴» مضارع معتل ناقص، به هر دلیلی که مجزوم شوند، حرف عَلَه از آخر فعل حذف می‌گردد؛ یعنی این صیغه‌ها مجزوم به حذف حرف عَلَه (عرب فرعی) www.konkuchi.in می‌شوند. مانند: يَرْمِيْ ← لَمْ يَرْمِيْ

حروف باءاً

### عربی □ کم حجم و مقوی

**گزینه «۱»**

مضارع اجوف در صیغه‌های «۶ و ۱۲» ابتدا اعلال به اسکان و سپس اعلال به حذف می‌شود.  
 مانند: **تَخْوِفَنَ ← تَخَوَّفَنَ ← تَخَافَنَ ← تَخْفَنَ**  
 بنابراین، صورت صحیح گزینه «۱»، «أَتَسْتَخْفَنَ...» است. گزینه «۳»، صیغه «۶» مضارع ناقص  
 مجزوم است و چون مبتدی است و «ن» در آن فاعل است، در ظاهر تغییری نکرده و اعلالی هم  
 ندارد (محلاً مجزوم است). در گزینه «۲»، «أَتَلُ» و «أَعْفُو» هردو ناقص هستند؛ اما اولی، مجزوم  
 به حذف حرف عله و دومی منصوب به حرف ناصبه «لن» می‌باشد.

در گزینه «۴»، «دع» فعل امر از مثال (ودع) است؛ و چون امر حاضر از مضارع مخاطب ساخته می‌شود، در تمام صیغه‌ها اعلال به حذف دارد، و «أَدْعُ» نیز فعل امر حاضر (المخاطب) از ریشه «دعو» و ناقص واوی است، که به دلیل مجزوم شدن، حرف عله از آخر آن حذف شده است.

**گزینه «۳»**

«يأتی» مضارع ناقص یائی است و در حالت جزم، حرف عله از آخر آن حذف شده، حرف ماقبل آن به حرکت قبل از حذف باقی می‌ماند.  
 بنابراین صحیح این گزینه «يلأت» می‌باشد.

**(سراسری ۸۳)****عین الخطأ عند الجزم:**

- ۱) يُعْدَن / لم يُعْدَن
- ۲) يَأْتَى / لِيَأْتَ
- ۳) تَخْشِين / لَا تَخْشِى
- ۴) يَعُود / لَمَّا يَعُد

فعل معتل مثال واوی، در ماضی اعلال ندارد و در اصطلاح «دون الاعلال» است. اما مضارع معلوم ثلاثی مجرد در تمام صیغه‌ها، اعلال به حذف دارد یعنی حرف عله‌اش حذف می‌شود. و چون فعل امر غائب و حاضر نیز، از فعل مضارع اعلال شده ساخته می‌شوند، در صیغه‌های آن‌ها نیز اعلال به حذف صورت می‌گیرد: **وهب، يهب، هب / وَصَلَ، يَصِلُ، هَبْ / وَصَلَ، يُوصِلُ، هَبْ ...**

اما در صورت مجھول شدن، حرف عله برمی‌گردد:

**يَصِلُ ← يُوصِلُ / يَهَبُ ← يُهَبُ / يَجِدُ ← يُوجَدُ**

لَوْجِحَ ماضی مثال واوی در باب‌های ثالثی مزید هم بدون اعلال است.  
**مانند: وَصَلَ ← أَوْصَلُ، يُوصِلُ / اسْتَوْصِلُ، يَسْتَوْصِلُ**

فعل معتل أجوف (یائی، واوی) در تمام صیغه‌های ماضی، ابتدا اعلال به قلب (تبديل واو و یاء به الف) و سپس، از صیغه «۶» به بعد، به دلیل التقاء ساکنین، اعلال به حذف دارد و مجھول آن نیز بر وزن «فیل» می‌آید. اما در مضارع معلوم، همه صیغه‌ها اعلال به اسکان دارند و سپس در دو صیغه «۶ و ۱۲» به دلیل التقاء ساکنین اعلال به حذف می‌شوند و مجھول آن نیز، بر وزن «شغال» می‌آید.

**گزینه «۴»**

در گزینه «۱»، «تُقامُ» اگر چه بر وزن «شغال» و مجھول است اما چون نائب فاعل آن (الاحتفال) مذکور است، نباید مؤنث بیاید. در گزینه «۲»، اعراب نائب فاعل به غلط و به صورت منصوب (المسلمین) آمده، در حالی که باید مرفوع باشد و در گزینه «۳» نیز، فعل جمله مجھول نشده است زیرا اگر مجھول بود، عین الفعل آن باید منصوب می‌شد.

**(سراسری هنر ۱۱)****عین الصَّحِيحِ للمبْنِي للمجْهُولِ:**

- ۱) تُقَامُ الْاحْتِفَالُ الْعَظِيمَةُ فِي الْمَدْرَسَةِ.
- ۲) دُعَى الْمُسْلِمِينَ إِلَى الْحَقِّ.
- ۳) كَانَ فَتِيَ يَعْرِفُ النَّاسَ بِالذَّكَاءِ.
- ۴) يَعْرِفُ الْأَصْدِقَاءُ الْأَوْفِيَاءُ عِنْ الشَّدَائِدِ.

**گزینه «۱»**

مضارع اجوف در صیغه‌های «۶ و ۱۲» علاوه بر اعلال به اسکان، به دلیل التقاء ساکنین، اعلال به حذف نیز می‌شوند. بنابراین صحیح «تُقيِّمَنَ»، «تُقْنَنَ» می‌باشد.

**عین الخطأ عن «أقام - يقيم»:**

- ۱) أَقْتَنَ - تُقْيِّمَنَ
- ۲) أَقْتَمَ: أَقْمَتُ - تُقْيِّمُونَ
- ۳) نَحْنُ: أَقْمَنَا - نُقْيِّمُ
- ۴) أَنَا: أَقْمَتُ - أُقْيِّمُ

# تجزیه‌ی فعل

## فصل اول

### شناخت فعل

درس اول

مهتمترین نشانه‌های تشخیص فعل در جمله:

الف) کلمه‌ای که یکی از حروف «قد، ما، س و سوف، لم، لَمْ، لَنْ» بر سر آن بباید.

مانند: قَدْ أَرْسَلْنَا، سَأَذْهَبُ، لَمَّا يَكْتُبُوا، لَنْ تَغْسِلَ

ب) کلمه‌ای که آخرش تاء ضمیر (ت، تُما، تُم، تِ، تُن، تُ) باشد.

مانند: عَلِمْتَ، إِسْتَخْرَجْتَ، مَنَحْتُمْ، خَرَجْتُمْ

ج) کلمه‌ای که آخرش تاء کشیده ساکنه (ت) باشد.

مانند: فَرَحَتْ، إِسْعَمَلَتْ

**نکته** تاء مربوطه یا منقوطة (همان تای گرد هودمون) نشانه‌ی اسم است. مانند: منضدة (میز)، شجرة

د) کلمه‌ای که دارای ضمیر «ی» باشد. مانند: تَكْتُبِينَ، إِذْهَبِي

ه) کلمه‌ای که آخرش مجزوم باشد (فقط فعل مجزوم می‌شود). مانند: لَمْ يَعْمَلْ، لَا تَكْتُبِي، لَمَّا يَخْرُجُوا، إِذْهَبْ

**نکته** جزم نشانه‌ی فعل، جر نشانه‌ی اسم و رفع و نصب میان آن‌ها مشترک است.

و) کلمه‌ای که آخرش نون تأکید آمده باشد. مانند: يَذْهَبَنَ، تَكْبِيْنَ، تَحْسِبَنَ

**نکته** نون تأکید بر دو نوع است، ثقله (نون تشدیددار: ن) و خفیفه (نون ساکن: ن)

**نکته** نون تأکید در فعل‌های مضارع و امر می‌آید و نون مشدد در صیغه‌ی ۱۲ ماضی (مانند: ذَبْيَتْ) نون تأکید نیست، بلکه جزوی از

ضمیر «تن» می‌باشد. (هر گردنی گردو نیست).

**نکته** ۲ برای تشخیص صیغه‌ی فعل‌هایی که نون تأکید دارند (صیغه‌های ۱، ۴، ۷، ۱۳ و ۱۴) نون تأکید را حذف نموده و فتحه‌ی ماقبل آن

را به ضمه تبدیل می‌کنیم. مانند: يَقُولُنَ ← يَقُولُ ← يَقُولُ (صیغه‌ی ۱)، تَحْسِبَنَ ← تَحْسِبَ ← تَحْسِبُ (صیغه‌ی ۴) یا (۷)

**نکته** ۳ در بعضی از جمله‌ها، فعل‌هایی را می‌بینیم که هیچ یک از نشانه‌های بالا را ندارند. در این موارد بهترین راه تشخیص، ترجمه است.

اگر کلمه‌ای معنای انجام کار یا روی دادن حالت در گذشتہ، حال و یا آینده را بدهد، فعل است.

مانند: أَكَلَ (خورد) که بر عمل خوردن در زمان گذشته دلالت دارد.



www.konkur.in

۱- أَيُّ جواب لَيْسَ مِن عَلَامِ الْفَعْلِ؟

- ۱) تُ ۲) سَوْفَ ۳) ة ۴) لَمْ

۲- أَيُّ جواب يَكُونُ مِن عَلَامِ الْفَعْلِ؟

- ۱) الإِضَافَة ۲) التَّاءُ الْمَرْبُوْطَةُ (ة) ۳) الْجَرُّ ۴) تَاءُ التَّائِيَّةِ السَّاكِنَةِ (تُ)

۳- فِي أَيُّ جواب ماجاء الفعل؟

۱) هذه المراسيم قد انعقدت لِتَكْرِيمِ أَيِ

۲) هل جزاء الإحسان إلا الإحسان

۳- كَمْ فعلاً يُوجَدُ فِي العبارة التالية؟ «قالَ اللَّهُ تَعَالَى: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»

- ۱) ستة ۲) سبعة ۳) ثمانية ۴) تسعة



## ٥- الفعلُ فِي أَيِّ جوابٍ أَكْثَرُ مِنْ وَاحِدٍ؟

- ١) فلا يُقُولَنَّ صاحبُ الْإِمْرَانِ لصاحبِ الواحدِ

٢) سَأَلَ أَحَدُ الْأَمْرَاءِ حُكْمَاءَ بِلَادِهِ عَنْ أَخْطَرِ الْأَمْرَاءِ

٣) نَسَّاتُ الْفَتَاهُ الشَّاعِرَةُ فِي بَيْتِ السِّيَادَةِ وَالْفَرَوْسِيَّةِ وَ...

٤) قُلْ أَنْزَلَهُ اللَّهُ الَّذِي يَعْلَمُ السَّرَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

٥) ما هو الصحيح عن صيغة فعل «تحسبَنَ» في العبارة؟ «ولا تَحْسِبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللهِ أَمْوَاتًا بل ...»

٦) للغائية

٧) كَمْ فَعَلَأُ يُوجَدُ فِي الْعِبَارَةِ التَّالِيَةِ؟ «جِئْنَ شَاهِدَهُمُ الطَّائِرُ خَافَ وَبَدَأَ بِالظَّيْرَانِ

١) واحد

٢) اثنان

٣) ثلاثة

٤) اربعة

٥) للمخاطب

٦) للمخاطبين

٧) للمخاطبات

## صیغه یا ساخت فعل

درس ۲۹

فعل (چه ماضی و چه مضارع)، دارای چهارده صیغه است. نام و شماره‌ی هر یک از صیغه‌ها، به شرح زیر می‌باشد:

(٧) تَفْعِلُ: مفرد مذكر مقايب (للماقباب)		(١) يَفْعِلُ: مفرد مذكر غائب (للغايات)
(٨) تَفْعِلَانِ: مثنى مذكر مقايب (للماقبابين)	مذكر	(٢) يَفْعِلَانِ: مثنى مذكر غائب (للغاياتين)
(٩) تَفْعِلُونَ: جمع مذكر مقايب (للماقبابين)	مُخاطب	(٣) يَفْعِلُونَ: جمع مذكر غائب (للغاياتين)
(١٠) تَفْعِلَيْنِ: مفرد موئث مقايب (للماقبابة)	موئث	(٤) يَفْعِلَيْنِ: مفرد موئث غائب (للغاياتبة)
(١١) تَفْعِلَانِ: مثنى موئث مقايب (للماقبابين)		(٥) تَفْعِلَانِ: مثنى موئث غائب (للغاياتين)
(١٢) تَفْعِلَنَّ: جمع موئث مقايب (للماقببات)		(٦) يَفْعِلَنَّ: جمع موئث غائب (للغاياتات)
		(١٣) أَفْعَلُ: متكلم وهره (للمتكلم وهره)
		(١٤) نَفْعَلُ: متكلم مع الغير (للمتكلم مع الغير)

دو صفحه‌ی متکلیم وحده و معالجه، برای مذکور و مونث بکسان است.



٩ - ما هي صيغة «نَبَّتاً»؟

- ١) لِلْغَائِبِينَ (٤) لِلْغَائِبِينَ

٢) لِلْمُخَاطَبِينَ (٣) لِلْمُخَاطَبِينَ

٣) تَذَهَّبِينَ (٤) تَدْعِينَ (للمخاطبات)

٤) يُفَكَّرُنَّ (اللغائب) (٣) أَنْ يُعاشِرُوا (للغايتين)

٥) مَا هُوَ الْخَطَأُ فِيمَا يَلِي؟ (٤) لَا يَسُاسُ (للغائب)

٦) مَا هُوَ الصَّحِيحُ فِيمَا يَلِي؟ (١) أَنْصُرِي (للمخاطب)

٧) مَا هُوَ الْخَطَأُ عَنْ فَعْلِ «تَكْبِانِ»؟ (١) لِلْغَائِبِينَ



## زمان فعل (ماضی، مضارع، امر)

درس سوم

## فعل ماضی

فعلی است که بر انجام کار یا روی دادن حالتی در زمان گذشته دلالت دارد. با توجه به معنای فارسی آن به ۶ دسته تقسیم می‌شود:

**ماضی ساده یا مطلق:** به صرف معمول چهارده صیغه‌ی فعل ماضی، مضارع ساده یا مطلق گویند. برای ساختن چهارده صیغه‌ی ماضی، کافی است به ریشه‌ی فعل (اوّلین صیغه‌ی فعل ماضی) شناسه (ا - و - ا - ن - ت - تُم - تِم - تُن - تُن - نا) اضافه نماییم، مانند:

فعلتَ			فعلَ		
فعَلْتَمَا	مذكر		فعَلَا	مذكر	
فعَلْتُمْ		مخاطب	فعَلُوا		
فعَلْتَنِ			فعَلَتْ		غائب
فعَلْتُمَا	موث		فعَلَتَا	موث	
فعَلْتُنِ			فعَلَنَ		
			فعَلَتْ	وحدة	
			فعَلَنَا	مع الغير	متكلم

## نمونه تستی

ما هی صیغه «کَيْتَمْ»؟

﴿كَيْتَمْ﴾ ۱ صیغه‌های (۱) و (۴) شناسه ندارند و «ت» در

صیغه‌ی (۴) شناسه نیست بلکه تاء تأییث است.

﴿كَيْتَمْ﴾ ۲ شناسه‌ها همان ضمائر متصل مفوعی

هستند که در فعل معلوم (فعلی که فاعل آن مشخص است)، نقش فاعل، در فعل مجھول (فعلی که فاعل آن مشخص نمی‌باشد)، نقش نائب‌فاعل و در افعال ناقصه، نقش اسم این افعال را دارند. (در بخش بعد مفصلًا توضیح داده شده است)

﴿كَيْتَمْ﴾ ۳ صیغه‌های «للمخاطبین و للمخاطبین» در فعل ماضی، شبيه به هم بوده و فقط در جمله از هم قابل تشخیص اند.

صیغه‌های (۸ و ۱۱)

**ماضی منفی ساده:** فعل ماضی ساده‌ای است که بر سر آن «ما» نافیه آمده باشد. مانند: «خَرَجُوا» (خارج شدن) ← «ما خَرَجْوْا» (خارج نشدن) / «كَيْتَمْ» (نوشتید) ← «ماكَيْتَمْ» (نوشتید)

برای بدست آوردن معنای ماضی منفی، می‌توان حرف جازمه لَمْ را بر سر هر یک از چهارده صیغه فعل مضارع ساده قرار دهیم و آخرش را مجازوم نماییم. («لم + فعل مضارع» و «ما + فعل ماضی» هر دو به صورت ماضی منفی ترجمه می‌شون، فورشو تارا هست تکن!) مانند: «يَدْهُبُونَ» (می‌روند) ← «لَمْ يَدْهُبُوا» (نخوردند)

## نمونه تستی

(سراسری اختصاصی انسانی ۸۵)

عین الأصح و الأدق:

«لَمْ يَسْتَطِعُ الْأَعْدَاءُ أَنْ يَكْسِرُوا ظَهَرَ الْمُجَاهِدِينَ الْمُسْلِمِينَ فِي الْحَرْبِ الْمُفْرُوضَةِ»

- ۱) دشمنان نتوانستند که پشت رزم‌دگان مسلمان را در جنگ تحمیلی بشکنند.
- ۲) دشمنان نمی‌توانند پشت سلحشوران اسلام را در جنگ تحمیل شده بشکنند.
- ۳) دشمنان ما قادر نمی‌باشند جنگاوران مجاهد ما را در جنگ تحمیلی شکست بدند.
- ۴) دشمنان ما قادر نیستند پشت مجاهدان اسلام را در جنگ تحمیلی به خاک برسانند.

پیاسی گزینه «۱» فقط در این گزینه مضارع مجازوم به لَمْ (لَمْ يَسْتَطِع) به صورت ماضی منفی ترجمه شده است.

## فوت و فن عربی

«لَمْ + فعل مضارع ساده» از نظر معنای فارسی، معادل «ما+ فعل مضاری ساده» است. مانند:

نرفتند	ما ذَبَّبُوا
نرفتند	لَمْ يَرَبَّبُوا

مضارع مجازوم به «لَمْ» علاوه بر مضاری منفی، به صورت مضاری منفی نقلی منفی ترجمه می‌شود. (یادت که نرفته، مضاری نقلی هموئی که به آفر فعلش ام، ای، است و ... اضافه می‌کنیم.)

مانند: «أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لِمَلْكِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (آیا ندانستی - ندانسته‌ای - که خدا مالکیت آسمان‌ها و زمین را دارد.)

هر چند مضارع مجازوم به «لَمْ» معنای مضاری منفی و یا مضاری نقلی منفی می‌دهد اما در تحلیل صرفی (تجزیه)، فعل مضارع محسوب می‌شود.

**۳ مضاری نقلی مثبت:** برای ساختن آن، حرف تحقیق «قد» را بر سر هر یک از چهارده صیغه‌ی فعل مضاری ساده قرار می‌دهیم.

مانند: «الْتَّالِمِيْدُ قَدْ كَتَبُوا تَكَالِيفَ الْدِرَاسِيَّةِ» (دانش‌آموزان تکالیف درسی‌شان را نوشته‌اند).

**نمونه تستی**  
(سراسری تبریز ۱۸۲)

## عین الأصح و الأدق:

«إِنَّ الْإِسْلَامَ قَدْ حَرَّضَ الْمُسْلِمِينَ عَلَى اِكْتَسَابِ الْعِلْمِ أَيْمَّا وَجَدَوْهُ»

۱) اسلام مسلمانان را به کسب علم - هرجا آن را بیابند - تشویق کرده است.

۲) اسلام مسلمین را تشویق می‌نماید که علم را - هرجا باشد - کسب کنند.

۳) مسلمانان را فقط اسلام تشویق می‌نماید که هر جا باشند به کسب علم بپردازنند.

۴) مسلمانان بهوسیله اسلام حریص شده‌اند که هر جا علم را بیابند آن را به دست آورند.

**پیاسخ** گزینه «۱» فعل «قد حَرَّضَ» در دو گزینه (۱) و (۴) به صورت مضاری نقلی ترجمه شده است. در گزینه (۴) «قد حَرَّضَ» به اشتباه به صورت «حریص شده‌اند» ترجمه شده است.

هرگاه حرف «قد» بر سر فعل مضارع بیابید، در ترجمه آن از کلماتی مانند «به ندرت، گاهی اوقات، بعضی وقت‌ها» استفاده می‌کنیم.

مانند: «لِتَعْلَمَ أَنَّهُ قَدْ يَكُونُ التَّغَاضِيُّ عَنِ الْخَطَاءِ الْطَّفْلِ أَفْضَلُ مِنْ مَعَاقِبِهِ» (باید بداییم که گاهی چشم پوشی از خطای کودک، بهتر از مجازات اوست.)

«إِنَّ الرَّحَاءَ قَدْ يُفْسِدُ الطَّبِيعَةَ الْبَشَرِيَّةَ» (گاهی اوقات سستی و کاهلی، طبیعت بشریت را فاسد می‌کند.)

**۴ مضاری نقلی منفی:** فعل مضارع ساده‌ای است که بهوسیله «لَمَّا» مجازوم شده باشد، مانند: «لَمَّا أَذْهَبْ إِلَى الْمَدْرَسَةِ» (هنوز به مدرسه نرفته‌ام.)

«لَمَّا أَرَ أَكْثَرَ مِنْهُ صِرَّاً» (هنوز کسی را بردبارتر از او ندیده‌ام.)

آوردن لفظ «هنوز» در ترجمه‌ی مضارع مجازوم به «لَمَّا» الزامی نیست.

«لَمْ وَ لَمَّا» فعل مضارع پس از خود را مجازوم نموده و معنای آن را به مضاری منفی یا مضاری نقلی منفی تبدیل می‌کنند.

۱) به فعل مضارع مجازوم به «لَمْ وَ لَمَّا»، فعل جَهْدُ (انکار کردن) گویند.

۲) «لَمْ» فقط بر سر فعل مضارع می‌آید. اما «لَمَّا» بر سر فعل مضاری نیز می‌آید که در این حالت اسم است و نقش مفعول‌فیه (ظرف)

دارد و به صورت «وقتی، هنگامی که، چون و ...» ترجمه می‌شود.

مانند: «لَمَّا سَعَتِ الْمَدِيرَةُ خَرَّ مَرْضٌ تَلَمِيذَهَا» (وقتی مدیر خبر بیماری دانش‌آموزش را شنید.)

«لَمَّا أَقْبَلَتُ عَصَائِي إِلَى الْأَرْضِ بَدَأَ لِي أَنْهَا حَيَّةٌ تَسْعَيِ» (چون عصای خود را بر زمین افکنند، به نظرم آمد که ماری جست و خیز کنان است.)

چنانچه «لَمَّا» فعل مضارع پس از خود را مجازوم نکرده باشد نیز، مفعول‌فیه است و به صورت «وقتی، هنگامی که، چون و ...» ترجمه می‌شود.

مانند: «لَمَّا نَدْهَبَ» (هنگامی که می‌رویم) / لَمَّا يَأْكُلُ الطَّعَامَ (وقتی که غذا می‌خورد)

**۵ مضاری بعید:** صرف فعل «کان» را با حرف «قد» یا بدون آن، بر سر صیغه‌های مضاری ساده قرار می‌دهیم (مضاری بعید هم که انشا الله یاد تونه، به آفر

فعل، شناسه‌های بود، بودی، بود و ... اضافه می‌کنیم.)

مانند: «کانوا قد جَلَسُوا» (نوشته بودند)

مانند: «کانوا قد جَلَسُوا» (نوشته بودند)

## نمونه تستی

(سراسری تبریز ۸۲)

### بخش ۱ / فصل اول □ تجزیه‌ی فعل

عین الأصحَّ والأدقَ:

«كانَ الْعُلَمَاءُ الْمُسْلِمُونَ قدْ أَلْفَوا كُتُبًا وَرَسَائِلًا عَدِيدَةً فِي الْعَصُورِ الْمُخْتَلِفَةِ»

۱) دانشمندان مسلمان کتب و رساله‌های متعدد در زمان‌های متعدد تالیف کرده‌اند.

۲) محققان مسلمان کتاب‌ها و مقالات متعدد را در دوران گوناگون تالیف می‌کردند.

۳) علمای مسلمان کتاب‌ها و رسایل گوناگون را در عصرها و زمان‌های مختلف نگاشته‌اند.

۴) دانشمندان مسلمان کتاب‌ها و رساله‌های متعدد را در عصرهای گوناگون تالیف کرده بودند.

**پیاسیخ** گزینه «۴» تنها در این گزینه فعل «كان ... قد أَلْفَوا» به صورت ماضی بعيد ترجمه شده است.

**نوچه** حرف «قد» بین فعل کان و فعل ماضی، برای تاکید بیشتر است. (فعل «كان» با حرف «قد» یا بدون آن به صورت ماضی بعيد ترجمه می‌شود.) مانند:

ماكنتْ قد رايتهْ مسروراً
او را فوشمال نديده بودم.

ماكنتْ رايتهْ مسروراً
-----------------------

**لکچه** هرگاه دو جمله‌ی مرتبط با هم به گونه‌ای پشت سر یکدیگر قرار گیرند که فعل موجود در هر دو جمله ماضی باشد، فعل ماضی جمله‌ی دوم را به صورت ماضی بعيد ترجمه می‌کنیم.

مانند: بعتُ قلماً / قد اشتريته من السُّوق (قلمی را فروختم که آن را از بازار خریده بودم.)  
ماضی ماضی

خرج المعلم / و قد علمنَا أشياءً كثيرةً (علم خارج شد، در حالی که مطالب زیادی را به ما آموخته بود.)  
ماضی ماضی

**۶ ماضی استمراری:** فعل «كان» را بر سر صیغه‌های مضارع ساده قرار می‌دهیم. (این‌که تابلوتر از همه، «می» رو میاریم سر فعل ماضی) مانند: «كانوا يَعْلَمُونَ» (می‌دانستند)

## نمونه تستی

(سراسری تبریز ۸۲)

عین الأصحَّ والأدقَ:

«ما كانت هؤلاء المومنات يمدحن أنفسهنَّ عند الآخرينِ»

۱) این‌ها که از خود نزد دیگران ستایش می‌کردند، زنان با ایمان نیستند.

۲) این‌ها زنان مومنی هستند که خود را در پیش دیگران ستایش نمی‌کنند.

۳) این زنان مومن خود را نزد دیگران مدح و ستایش نمی‌کردند.

۴) آن مومنان خویشن را در مقابل دیگری مدح نکرده‌اند.

**پیاسیخ** گزینه «۳» تنها در این گزینه فعل «كان ... يمدحن» به صورت ماضی استمراری منفی ترجمه شده است.

**لکچه ۱** هرگاه فعل ماضی یا مضارع بدون فاصله پس از فعل «كان» باید، باید از نظر صیغه (جنس و عدد) با یکدیگر مطابقت داشته باشند.  
( فلاصه از نظر مفرد، مثنی، بمع و یا مذكر و مومنث بودن، به هم بیان)

مانند: كانا قد ذهبا - كانوا قد ذهبا - كانتا قد ذهبتا - كنَّ قد ذهبن

كانا يذهبان - كانوا يذهبون - كانتا تذهبان - كنَّ يذهبين

در صورتی که اسم ظاهری بین فعل «كان» با فعل ماضی یا مضارع باید، فقط از نظر جنس باید با هم مطابقت کنند. (این توضیح فقط در مورد صیغه‌های غائب صادق است).

مانند: كان التلميذان قد ذهبا - كان التلاميذ قد ذهبا - كانت التلميذتان قد ذهبتا - كانت التلميذات قد ذهبنَ

كان التلميذان يذهبان - كان التلاميذ يذهبون - كانت التلميذتان تذهبان - كانت التلميذات يذهبنَ

**لکچه ۲** هرگاه دو جمله مربوط به هم به گونه‌ای پشت سر هم قرار گیرند که در جمله اول فعل ماضی و در جمله دوم فعل مضارع آمده باشد، فعل مضارع جمله دوم را به صورت ماضی استمراری ترجمه می‌کنیم.

## فوتو و فن عربی



مانند: «رأيَتْ تلميذًا / يذهب إلى المدرسة» (دانشآموزی را دیدم که به مدرسه می‌رفت).

ماضی مفهای

«جاءَتِ المعلّمةُ / و هي تتكلّمُ باللغةِ العربيّة» (معلم آمد در حالی که به زبان عربی سخن می‌گفت).

ماضی مفهای

«رأيَتْ ظبّاً / يمشي بيهود» (آهوی را دیدم که به آرامی راه می‌رفت).

ماضی مفهای

هر یک از اقسام ماضی (ساده - بعيد - استمراری) با حرف «ما» نافیه منفی می‌شوند.

نکته ۳

مانند: ما خَرَجَ (خارج نشد) / ما كانوا قد ذهبا (ترفته بودند) / ما كان يَكْتُبُ (نمی‌نوشت).

نکته ۴

برای منفی کردن ماضی استمراری می‌توان به جای آوردن حرف «ما» بر سر فعل «کان» حرف «لا» را بر سر فعل مضارع بیاوریم.

مانند: کان لا يَكْتُبُ: نمی‌نوشت.

## فعل مضارع

فعلی است که بر انجام کار یا روی دادن حالت در زمان حال و آینده دلالت دارد و با توجه به معنای فارسی آن به ۵ دسته تقسیم می‌شود:

**۱ مضارع ساده:** به صرف معمول چهارده صیغه‌ی فعل مضارع، مضارع ساده یا اخباری گویند. مانند:

مُخَاطِبٌ	مُخَالِفٌ	مُخَالِفٌ	غَايَهٌ
تَفْعَلُونَ	يَفْعَلُونَ	مَذْكُورٌ	مَذْكُورٌ
تَفْعَلَانَ	يَفْعَلَانَ		
تَفْعَلُونَ	يَفْعَلُونَ		
تَفْعَلَيْنَ	تَفْعَلُ		
تَفْعَلَانَ	تَفْعَلَانَ	مُؤْنَثٌ	مُؤْنَثٌ
تَفْعَلَنَ	يَفْعَلَنَ		
	أَفْعَلَنَ	وَحْدَه	
	نَفْعَلَنَ	مَعَ الْغَيْرِ	مَتَكَلِّمٌ

نکته ۱ برای ساختن چهارتین صیغه‌ی فعل مضارع، علاوه بر اضافه نمودن شناسه‌ها

(ا - و - ا - ن - ا - و - ا - ن) به ریشه‌ی فعل و مرفوع نمودن آخر آن، یکی از

نشانه‌های مضارعه (این) را نیز باید به ابتدای ریشه اضافه نماییم. (ا، ر، ی و ن از

نشانه‌های فعل مضارع هستند که برای راهی بوشون می‌گیم (این)

نکته ۲ شناسه‌ها همان ضمایر متصل مرفوعی هستند که در فعل معلوم، نقش فاعل، در فعل مجهول، نقش نائب‌فاعل و در افعال ناقصه، نقش اسم این افعال را دارند.

نکته ۳ صیغه‌های «للغايتَينِ»، «للماطَبَتَينِ» و «للماطَبَتَينِ» در مضارع شبیه به

هم‌اند و فقط در جمله از هم قابل تشخیص می‌باشند. (همون صیغه‌های (۱، ۲ و ۳))

**۲ مضارع منفي (فعل نفي):** فعل مضارع ساده‌ای است که «لا» نافیه‌ی غیرعامل بر سر آن آمده باشد. (یعنی هر کلت هرف آفر فعل مضارع رو عوض نمی‌کنه)

مانند: لا يَسْرُبُونَ (نمی‌نوشند) / لا تَكْتُبُونَ (نمی‌نویسید) / لا يَغْرِجَانِ (خارج نمی‌شوند)

### نمونه تستی

ما هی صیغه «تَكْتُبَانِ»؟

(۱) للغايتَينِ

(۲) للماطَبَتَينِ

(۳) للماطَبَتَينِ

(۴) كُلُّ الأَجْوَبَةِ صَحِيحَةٌ

نکته ۴ گرینه «۴» صیغه‌های

«للغايتَينِ، للماطَبَتَينِ و للماطَبَتَينِ» در

مضارع شبیه به هم بوده و فقط در جمله از

هم قابل تشخیص‌اند.

**۳ مضارع مستقبل مثبت:** با قراردادن یکی از چهارده صیغه‌ی فعل مضارع، ساخته می‌شود.

مانند: سَأَغْسِلُ (خواهم شست)

نکته ۵ معمولاً «س» بر آینده نزدیک و «سوف» بر آینده دور دلالت دارد. به همین دلیل در ترجمه مضارع مستقبل با حرف «سوف»، گاهی از

لفظ «بالآخره» استفاده می‌شود. یعنی قطعیت انجام فعل در مضارع مستقبل با حرف «سوف» از مضارع مستقبل با حرف «س» کمتر است.

مانند: سَوْفَ أَغْسِلُ (بالآخره خواهم شست)

مانند: سَأَغْسِلُ (بزودی خواهم شست)



## نمونه تستی

(سراسری ریاضی ۸۱)

### بخش ۱ / فصل اول □ تجزیه‌ی فعل

**عین‌الاصح و الأدق:****«المؤلفات الإسلامية في هذه السنة سيزيد عددها أكثر من مائتين ...»**

- ۱) امسال تعداد تألیفات اسلامی به بیش از دویست تا افزایش پیدا خواهد کرد.
- ۲) امسال زنان مؤلف اسلامی افرون بر دویست تألیف دارند.
- ۳) در این سال تألیفات اسلامی بالغ بر یکصد تألیف است.
- ۴) در این سال تألیفات اسلامی، بیش از یکصد عدد خواهد شد.

**پیاسچ** گزینه «۱» این گزینه و گزینه «۴» فعل «سیزید» را به صورت مضارع مستقبل ترجمه کرده‌اند، ولی در گزینه «۴» «مائین» به اشتباه به صورت یکصد ترجمه شده، پس گزینه «۱» صحیح می‌باشد.

**۴) مضارع مستقبل منفی:** فعل مضارع ساده‌ای است که با حرف ناصبه‌ی «لن» منصوب شده باشد.

مانند: «لن تكتُبوا» (هرگز نخواهید نوشت).

آوردن لفظ «هرگز» در ترجمه مضارع منصوب به «لن»، الزامی نیست.

## نمونه تستی

(سراسری ریاضی ۸۵)

**عین‌الاصح و الأدق:****«لن نسمح للمستكبرين أن يدخلوا في شؤوننا الاجتماعية والسياسية»**

۱) اجازه‌ی دخالت در امور جامعه و در سیاست خود را به مستکبران نمی‌دهیم.

۲) به مستکبران اجازه نخواهیم داد که در امور اجتماعی و سیاسی ما وارد شوند.

۳) به استکبارگران اجازه نمی‌دهیم که در مسائل اجتماعی و سیاسی جامعه‌ی ما داخل شوند.

۴) سخن مستکبران را دایر بر این که در کارهای اجتماعی و سیاسی ما داخله کنند نمی‌شنویم.

**پیاسچ** گزینه «۲» تنها این گزینه فعل «لن نسمح» را به صورت آینده منفی ترجمه کرده است.**۵) مضارع التزامی:** مواردی که فعل به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود، عبارتند از:

الف) مضارع منصوب به حروف ناصبه (آن: که، این که، کی: تا، تا این که، لکی: تا، تا این که، لـ: برای این که)

مانند: «أن يذهب» (این که برود)

«حتى تكتبوا» (تا، تا این که بنویسید)

«أن يعودوا» (که، این که دور سازند)

## نمونه تستی

(سراسری عمومی انسانی ۸۳)

**عین‌الاصح و الأدق:****«يرى الظالمون أنفسهم قادرين على كل شيء ليستمروا الآخرين»**

۱) ظالمان برای بهره‌کشی از دیگران خود را نیرومند و قادر بر هر کاری نشان می‌دهند.

۲) ستمگران برای استثمار دیگران هر کاری را انجام می‌دهند تا خود را توانا نشان دهند.

۳) ستمگران از دیگران بهره‌کشی می‌کنند تا خود را توانا بر هر کاری جا بزنند.

۴) ظالمان خود را برای انجام هر کاری توانا نشان می‌دهند تا دیگران را استثمار کنند.

**پیاسچ** گزینه «۴» تنها در این گزینه فعل مضارع منصوب «ليستمروا» به صورت مضارع التزامی (تا استثمار کنند) ترجمه شده است.**ب) امر غائب یا امر به لـ**

مانند: «لِيَعْمَلُنَّ» (باید عمل کنند)

مانند: «لِيَأْكُلُوا» (باید بخورند)

«لِيُرْشِدُواً» (باید ارشاد کنند)

«لِيُعْلَمُ» (باید بداند)

فوت و فن عربی

**نمونه تستی**

(سراسری هنر ۱۸۵)



عین الخطأ:

- ۱) ما مُنعت الأُمّةُ الإِسْلَامِيَّةُ عَنِ الطَّيَّبَاتِ مِنَ الْأَرْزَاقِ: امت اسلامی از روزی‌های پاکیزه منع نشده است.
- ۲) كان المسلمين قد اكتسبوا درجات علمية عالية في الماضي: مسلمانان درجات علمی والای را در گذشته به دست آورده بودند.
- ۳) ليعلم الطالب أن النجاح في الإجتهد لا في التكاسل: دانش‌آموزان می‌دانند که موفقیت در تلاش است، نه در بیکاری.
- ۴) للفواكه فوائد كثيرة و هي توفر طعام الإنسان والحيوان: میوه‌ها فوائد بسیاری دارند و آن‌ها غذای انسان و حیوان را مهیا می‌سازند.
- پیاسخ** گزینه «۳» امر غائب (ليعلم) در این گزینه به جای مضارع التزامی، به استبا به صورت مضارع ساده (اخباری) ترجمه شده است.

ج) فعل شرط (چه ماضی باشد چه مضارع)

مانند: «إنْ تَدْرُسْ تَنْجَحُ» (اگر درس بخوانی موفق می‌شود - موفق خواهی شد.)

فعل شرط

**توضیح** فعل جواب شرط نیز چه ماضی باشد و چه مضارع، به صورت مضارع اخباری یا آینده ترجمه می‌شود. (مانند مثال بالا)**پیاده نظر** «إن، من، متى و ...» هرگاه بر سر دو جمله بیانید، فعل اول را به عنوان فعل شرط و فعل دوم را به عنوان جواب شرط مجزوم می‌کنند. (برای توضیح بیشتر به درس اعراب فعل مضارع در بخش ۲ مراجعه کنید)**نمونه تستی**

(سراسری عمومی انسانی ۱۸۳)

عین الأصح و الأدق:

«إِنْ تُشَاهِدِ الْمَكَانَةَ الرَّفِيعَةَ لِلْعُلَمَاءِ تَعْزِمُ عَلَى تَعْلِمِ الْعِلُومِ وَالتَّقْدِيمَ فِيهَا»

- ۱) موقعی که مقامی بلند را برای عالمان دریافتی، قصد یادگیری علوم و پیشروی در آنها را خواهی کرد.
- ۲) اگر جایگاه بلند دانشمندان را مشاهده کنی، نسبت به یادگیری علوم و پیشرفت در آنها تصمیم می‌گیری.
- ۳) هنگامی که مقام شامخ اندیشمندان را دیدی، بر فراگیری دانش‌ها و پیشرفت در آنها عزم و همت کن.
- ۴) در صورتی که موقعیت والای بزرگان را مشاهده کردی، در فراگرفتن علم و پیشرفت در آن اراده کن.
- پیاسخ** گزینه «۲» تنها این گزینه فعل شرط (تشاهد) را به صورت مضارع التزامی (مشاهده کنی) ترجمه کرده است.

**توضیح** موارد «هـ» و «وـ» در ترجمه بسیار کاربرد دارند (هـ تکین کتابتون مطلب فارج از کتاب (داره))

د) فعل‌هایی که بر دعا و نفرین و یا بر وقوع اموری در آینده (مثل وقایع روز قیامت) دلالت دارند.

مانند: «رَضِيَ اللَّهُ عَنْكُ» (خداؤند از تو راضی باد). بریده شد راضی شد

«إِذَا الشَّمْسُ كَوَرَتْ وَإِذَا النَّجُومُ إنْكَدَرْتْ» (هنگامی که خورشید بی‌فروغ گردد و هنگامی که ستارگان تیره شوند).

هـ) هر گاه خبر «لیت» و «لعل» فعل مضارع باشد.

مانند: «لَيْتَ الْمَوْدَةَ تَسْتَقْرُّ بَيْنَ النَّاسِ» (ای کاش دوستی میان مردم بپیا شود). بریا می‌شود

و) هر گاه فعل مضارع پس از افعال طلبی (امر و نهی) بیاید. در این صورت فعل مضارع مجزوم شده و به صورت مضارع التزامی با حرف ربط «تا» ترجمه می‌شود.

مانند: «أَدْعُونَى أَسْتَجِبْ لَكُمْ» (مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم). فعل طلبی (امر) بریا می‌شود

هر گاه دو جمله مربوط به هم به گونه‌ای پشت‌سر هم قرار گیرند که فعل هر دو جمله مضارع باشد، فعل مضارع جمله‌ی دوم را به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌کنیم.

مانند: «أَفَّشْ عَنْ كِتَابٍ / يُسَاعِدُنِي فِي فَهْمِ النُّصُوصِ». (به دنبال کتابی می‌گردم که مرا در فهم متن‌ها یاری کند).

«أَسَاعِدُ مَنْ / يُسَاعِدُنِي فِي الدُّرُوسِ». (کسی را یاری می‌کنم که مرا در درس‌ها یاری کند).

**فعل امر**

فعلی که بر درخواست انجام کار دلالت دارد و بر دو نوع است: ۱- امر مثبت ۲- امر منفي (فعل نهی)

ب: امر مخاطب (حاضر)

الف: امر غائب (امر به لـ)

۱



## بخش ۱ / فصل اول □ تجزیه‌ی فعل

الف) امر غائب: با قراردادن «لِ» بر سر مضارع غائب و متکلم و مجزوم نمودن آخر آن ساخته می‌شود.  
مانند: لَيَذْهَبُ، لَيَذْهَبَا، لَيَذْهِبُوا، لَيَذْهَبْ، لَيَذْهَبْ، لَيَذْهَبْ  
امر غائب به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود.

### نمونه تئتنی

(سراسری هنر ۱۸۵)

عین حرف «لام» الجازمة:

- (۱) لِيَعْفُ الْمُسْلِمُ عَنْ بَعْضِ الْأَخْطَاءِ      (۲) جَئْنَا لِنَرِ آثارَكُمُ الْجَمِيلَةَ  
 (۳) أَرْسَلَ اللَّهُ أَنْبِيَاءً لِيَهُوَا      (۴) جَئْتُ إِلَيْكَ لِلذَّهَابِ إِلَى الْمَكْتَبَةِ  
 گزینه «۱» تنها در این گزینه «لام» اول جمله آمده است و در گزینه «۲» حرف جر است.  
 گزینه‌های (۲) و (۳) «لام» حرف ناصبه و در گزینه (۴) حرف جر است.

**نکته ۱** هرگاه «لـ + فعل مضارع» اول جمله و یا پس از حروف عاطفه (و، ف، ثم) و یا پس از فعل «قال» و مشتقات آن بباید، «لام» امر غائب است و فعل مضارع، مجزوم می‌باشد. در غیر این صورت معمولاً مضارع منصوب بوده و «لام» حرف ناصبه است.

### نمونه تئتنی

**نکته ۲** هرگاه «لام» بر سر اسم بباید، حرف جر است.

#### عین الخطأ:

- (۱) الْعَقْلُ مُصلحٌ كُلُّ أَمْرٍ: عقل اصلاح‌کننده‌ی هر کاری است.  
 (۲) وَ مَا كَانَ فِي بَيْتِهِ مَصْبَاحٌ: و در خانه‌اش حتی چراغی نبود.  
 (۳) وَ عَلَى اللَّهِ فَلَيَتَوَكَّلُ الْمُؤْمِنُونَ: مومنان بر خدا توکل می‌کنند.  
 گزینه «۳» «لـ + فعل مضارع» اگر پس از حروف عاطفه (و، ف، ثم) بباید، لام امر غائب است و در این صورت به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود. «فلیتوکل» در گزینه (۳) به صورت مضارع اخباری ترجمه شده که اشتباه است.

**نکته ۳** هرگاه «لام» امر غائب پس از حروف عاطفه (و، ف، ثم) بباید، آخر فعل ساکن می‌شود. مانند: فَلَيَتَوَكَّلْ / وَلَيَذْهَبْ  
**ب) امر مخاطب:** امر مخاطب (حاضر) از شش صیغه‌ی مضارع مخاطب به روش زیر ساخته می‌شود:  
 ۱- حرف مضارعة (تـ) را حذف می‌کنیم.

۲- در صورتی که پس از حذف حرف مضارعة (تـ)، حرف پس از آن متحرک باشد، با مجزوم نمودن آخر فعل، فعل امر ساخته می‌شود.

مانند: تَكْرُمُونَ ← كَرْمُونَ ← كَرْمُوا  
 ۳- اگر پس از حذف حرف مضارعة (تـ)، حرف پس از آن ساکن (ـ) باشد، یک همزه (ـ) به ابتدای فعل اضافه نموده و برای تعیین حرکت آن به حرکت عین الفعل (دومین حرف اصلی فعل) توجه می‌کنیم. بدین صورت که:  
 اگر عین الفعل مضموم (ـ) باشد، همزه را مضموم می‌کنیم. مانند: تَكْتُبُونَ ← أَكْتُبُوا / تَعْبُدُونَ ← أَعْبُدَا  
 اگر عین الفعل مفتوح (ـ) و یا مکسور (ـ) باشد، همزه را مکسور می‌کنیم. مانند: تَدْهُبُونَ ← إِدْهُبُوا / تَجْلِسُونَ ← إِجْلِسَا  
 اگر فعل مضارع در باب إفعال باشد، همزه امر آن مفتوح است. مانند: تُكْرُمُونَ (باب افعال) ← أَكْرُمُوا

### نمونه تئتنی

ما هو الصَّحِيحُ فِي الْأَمْرِ؟

- (۱) تُرْشِدِينَ ← إِرْشَدِي  
 (۲) يَدْهُبُونَ ← إِدْهُبُوا  
 (۳) تَقْتُلِينَ ← لِتَقْتُلَي  
 (۴) تَكْتُبِينَ ← أَكْتُبُنَ  
 گزینه «۴» در گزینه (۱) «ترشیدین» باب افعال و امرش «أَرْشَدِي» است، در گزینه (۲) «يدهبوون» مضارع غائب است، پس نمی‌توان از آن امر حاضر ساخت و گزینه (۳) چون مضارع مخاطب است، از آن امر غائب ساخته نمی‌شود.

**نکته ۱** بنابراین چنانچه همزه‌ی فعل امر، مفتوح باشد، حتماً از باب افعال است.

**ب) امر منفی (فعل نهی):** برای ساختن آن، حرف «لا» را ابتدای هر یک از چهارده صیغه‌ی فعل مضارع ساده قرار داده و آخرش را مجزوم می‌کنیم. مانند:

تَجْلِسُونَ ← لا تَجْلِسُوا / تَضْرِبُانَ ← لا تَضْرِبَا

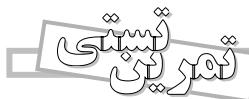
**نکته ۲** به حرف «لا» در امر منفی، «لا»ی نهی می‌گویند.

**نکته ۳** هرگاه «لا + فعل مضارع» اول جمله یا پس از حروف عاطفه (و، ف، ثم) و یا «أَيُّهَا، أَيُّهَا» بباید، معمولاً «لا»ی نهی است و فعل مضارع، مجزوم می‌شود، در غیر این صورت معمولاً «لا» نفی بوده و فعل مضارع، مرفوع خواهد بود. (فعل مرفوع فعل مفارعیه که هر کوت هرف آفرش تغییر نکرده باشد).

مانند: لَا تَرْبَكَ و لَا تَخْفَ أَلَا ذِبَّكَ «الرَّعِيَّةُ لَا يُضْلِلُهَا أَلَا العَدْلُ»  
 مشارع مفتوح مشارع مجزوم

**نکته ۴** حرف «لا» بر سر صیغه‌های مضارع غایب در اول جمله، معمولاً «لا»ی نفی است و فعل مضارع، در این حالت مرفوع می‌باشد.  
 مانند: لَا يُقَالُ إِلَى الْحَقِّ (غیر از حق گفته نمی‌شود)

فوتو و فن عربی



١٣- عین نوع الفعل فی العبارة التالية: «كانَ ميكل أنجلو يقولُ»

٤) مضارع مرفوع

٣) ماضى استمراري

٢) ماضى نقلى

١) ماضى بعيد

١٤- ما هي ترجمة؟ «ذلک الرّجُلُ لَمْ يَخْرُجْ مِنَ الْمَسْجِدِ»

١) آن مرد از مسجد خارج نشد.

٣) آن مرد از مسجد خارج نشده بود.

١٥- مَيَّزْ ترجمة الصحيح لهذه العبارة: «كُنْتُ قَدْ ذَهَبْتُ»

١) رفته بودى

١٦- ما هو الخطأ؟

١) كان الغزال يسافر

١٧- أَيَّ فعل معناه يعادل فعل «لَمْ يَذْهَبْنَ»؟

١) لَمَا يَذْهَبُونَ

٢) أَيَّ فعل معناه يعادل فعل «لَمْ يَذْهَبْنَ»؟

١٨- عین الصحيح لأمر «تُخْرِجُنَ»

١) إِخْرَجْنَ

٣) أَخْرِجْنَ

٢) أَخْرِجْنَ

(سراسرى رياضى ٨١٣)

١٩- «زُرتُ صديقتي التي لم تُشفِّفْ من مرضها، ثم حَرَجْتُ سريعاً لِتَسْتَرِي»:

١) دوستى را که مريضى او معالجه نشده بود زیارت کردم و بعد از رفتن من استراحت کرد.

٢) رفيق را که از مرض خود شفا یافته بود ملاقات کردم و برای راحتی او شتابان خارج شدم.

٣) از دوستم دیدن کردم، همان که از بيماري شفا نیافته است.

٤) دوستم را که از بيماريش بهبودی نیافته بود ملاقات کردم پس فوراً بپرون رفتم تا استراحت کند.

(سراسرى زبان های فارهی ٨١٣)

٢٠- «لن ننسى حفلة تكرييم الطالبات المجتهدات اللاتي نجحن في المسابقات العلمية»:

١) ما هرگز جشن سپاسگزاری از دانشآموزان موفق در مسابقات علمی را فراموش نمی کنیم.

٢) جشن احترام به دانشجویان پر تلاش را که در مسابقه های علمی شرکت کرده اند از ياد نمی برمیم.

٣) مراسم بزرگداشت محصلان کوشایی را که در رقابت های علمی پیروز می شوند فراموش نکرده ایم.

٤) جشن بزرگداشت دانشآموزان تلاش گر را که در مسابقات علمی برنده شدند فراموش نخواهیم کرد.

(سراسرى عمومى انسانى ٨٠)

٢١- «با هم رفته بودیم تا روزنامه ای بخریم»:

١) كُنَّا قد ذَهَبْنَا معاً لِنَشْرِي جَرِيدَةً

٣) كُنَّا نَذَهَبُ مَعَ بَعْضِ حَتَّى نَشْرِي جَرِيدَةً

٢٢- «مي گفتني اگر درس بخوانيم قبول مى شويم»:

١) كُنَّتْ قَدْ قُلْتَ إِنْ دَرَسْتُمْ نَجَحْتُمْ

٣) كُنَّتْ تَقُولِينَ إِنْ تَدْرُسُونَ تَنْجَحُونَ

٢٣- «المجتمع الذى يتَمسَّكُ بالأخلاقِ الحسنةَ لن يُغرقُ فِي مُسْتَنقِعَاتِ الْحَيَاةِ»:

١) جامعه ای که به اخلاق حسنہ متمسک شود در باتلاق های زندگی غرق نخواهد شد.

٢) چنانچه جامعه ای به اخلاق نیکو روی بیاورد در گرداد های زندگی غرق نخواهد شد.

٣) هرگاه جامعه ای به اخلاق حسنہ چنگ درزنده هرگز در باتلاق های زندگی غرق نمی گردد.

٤) آن جامعه که متمسک به اخلاق نیکو شده است هرگز در گرداد زندگی غرق نمی شود.

(سراسرى عمومى انسانى ٨٢)

٢٤- عین الخطأ: «تو با ظالمان دشمني مى کنى و مظلومان را کمک مى نمایي»

١) إنَّكَ تُخَاصِمُ الظَّالِمِينَ وَ تَعِينُ الْمَظْلُومِينَ

٣) أَنْتَ تُخَاصِمُ الظَّالِمِينَ وَ تَعِينُ الْمَظْلُومِينَ

٢) أَنْتَ تُخَاصِمُ الظَّالِمِينَ وَ تَعِينُ الْمَظْلُومِينَ

٤) إِنَّكَ تُخَاصِمُ الظَّالِمِينَ وَ أَعْنَتَ الْمَظْلُومِينَ



(سراسری زبان ۸۴)

**بخش ۱ / فصل اول □ تجزیه‌ی فعل**

۲۵- «اذا تمَّسَكَ المسلمون بالثقافة الإسلامية نجحوا في حياتهم»:

- (۱) آن‌گاه که مسلمانان به تمدن اسلام متسلط شده باشند در زندگی‌شان رستگار خواهند شد.
- (۲) هرگاه مسلمانان به فرهنگ اسلامی متمسک شوند در زندگی موفق می‌گردند.
- (۳) هر وقت که مسلمین به تمدن اسلامی پناه برده‌اند در زندگی پیروز شده‌اند.
- (۴) چون مسلمانان به فرهنگ اسلام پایبند شده‌اند در زندگی موفق می‌شوند.

(آزمایشی سنبش ۸۵)

۲۶- «المعلمون يشجعون طلابهم الى التمتع من فرص الخير و اغتنامها»:

- (۱) آموزگاران شاگردان را به استفاده از فرصت‌های نیک و غنیمت دانستن آنها تحریک می‌کرند.
- (۲) معلم‌ها به بهره‌بردن دانش آموزان و مغتنم دانستن آنها فرصت‌های خوب را تشویق می‌کنند.
- (۳) آموزگارها دانش آموختگان خویش را به سود بردن از اوقات نیک و مغتنم شمردن آنها برمی‌انگیرند.
- (۴) معلمان دانش آموزان خود را به بهره‌بردن از فرصت‌های خوب و غنیمت شمردن آنها تشویق می‌کنند.

(سراسری تهریب ۸۶)

۲۷- «يُنْبِّئُ المعلم شعبه من الجهل و يواصل رسالته المهمة لتحقيق أهدافه»:

- (۱) معلم برای نجات ملت خویش از جهل، رسالت مهم خود را برای تحقیق اهدافش ادامه می‌دهد.
- (۲) آموزگار ملت‌ها را از نادانی رها می‌سازد و برای رسالت خود تا محقق ساختن اهداف مهمش تلاش می‌کند.
- (۳) معلم ملت خود را از نادانی می‌رهاند و رسالت مهم خویش را برای به انجام رساندن اهدافش ادامه می‌دهد.
- (۴) آموزگار ملت‌ها را از جهالت نجات داده و با ادامه رسالت با ارزش خود برای محقق شدن اهداف تلاش می‌کند.

(سراسری تهریب ۸۷)

۲۸- «متهم وقتی حکم قاضی را شنید از عکس العمل مردم تو سید»:

- (۱) المتهم حينما سمع حكم القاضي يخاف من رد فعل الناس
- (۲) لما سمع المتهم حكم القاضي خاف من رد فعل الناس
- (۳) حين سمع القاضي حكم المتهم اخذ يخاف من صورة فعل الناس
- (۴) عندما المتهم قد سمع رأى القاضي وقع في الخوف من فعل الناس

www.konkuchi.ir

وبساطتِ کنکور چی



## بخش ۵ □ پاسخنامه‌ی تشریحی

تاء مربوطة (ة) نشانه‌ی اسم است.

۱- گزینه «۳»

مضاف شدن، تاء مربوطة و مجرورشدن از علائم اسم می‌باشدند.

۲- گزینه «۴»

در گزینه (۱) «قد انتقدت» به خاطر حرف تاکید «قد» و «ت» در گزینه (۲) «اسلمتُم» و «هاجرتُم» بدلیل وجود «تُم» و در گزینه (۴) «لاتحسبَنَ» به خاطر وجود نون تاکید ثقیله (نَ) و نیز «قُتُلُوا» به خاطر دلالت بر انجام عمل در زمان گذشته، فعل می‌باشدند.

۳- گزینه «۳»

کلمات «قال: گفت، تعالی: بلندمرتبه است، آمنو: ایمان آوردید و تُفْلُحُون: رستگار شوید» بدون نشانه‌ی ظاهری‌اند، اما بر انجام کار یا روی دادن حالت در گذشته یا حال دلالت دارند، پس فعلند و کلمات «إصبروا، صابروا، رابطوا و انتَوا» چون مجزوم‌اند (نَ) از آخر این افعال حذف شده و مجزوم به حذف (نَ) اعراب می‌باشند) فعلند.

۴- گزینه «۳»

افعال در این گزینه عبارتند از: «قل» زیرا مجزوم است و «أَنْزَلَ و يَعْلَمُ» که بر انجام کار دلالت دارند. سه گزینه دیگر هر کدام یک فعل دارند که عبارتند از: در گزینه (۱) «يَقُولُنَّ» به خاطر داشتن نون تاکید، در گزینه (۲) «سَأَلَ» و گزینه (۳) «نَسَأَتْ» که بر انجام کار در گذشته دلالت دارند.

۵- گزینه «۴»

با حذف نون تاکید (نَ) و مضموم نمودن فتحه ماقبل آن (تحسبَ) و نیز با توجه به معنای عبارت: «هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند را مرده مپندار»، صیغه‌ی «للمخاطب» صحیح است.

۶- گزینه «۳»

«شاهد: مشاهده کرد، خاف: ترسید، بدآ: شروع کرد» فعل‌های این عبارت می‌باشند که همگی بر انجام کار در گذشته دلالت دارند.

۷- گزینه «۳»

این گزینه پنج فعل دارد که عبارتند از: «قال، تعالی، أَلَّى، أَلَّى، تَسْعَى». گزینه (۱) سه فعل: «تُقْرِضُوا، يُضَاعِفُ، يُغْفِرُ»، گزینه (۲) دو فعل: «أَكْثَرَ و تَعْدُّ» و گزینه (۴) دو فعل: «أَنْزَلَ، لِيَمْتَعِنَ» دارد.

۸- گزینه «۳»

صیغه‌ی «لِلغَائِبِينَ» این فعل «بَيْتَاً» و «لِلْمَخَاطِبِينَ» آن «بَيْتُمَا» می‌شود و ریشه‌ی آن «بَيْتَ» است.

۹- گزینه «۱»

اگر نون تاکید را از آخر فعل حذف نموده و فتحه ماقبل آن را به ضمه تبدیل کنیم «يَفْكُرُ» می‌شود که صیغه‌ی «لِلغَائب» است.

۱۰- گزینه «۱»

گزینه (۱) امر صیغه «للمخاطبه»، گزینه (۲) مضارع منصوب یا مجزوم صیغه‌ی «لِلغاَبات» و گزینه (۴) مضارع صیغه‌ی «للمخاطبَة» می‌باشد.

۱۱- گزینه «۳»

«يَكْتُبَانَ» صیغه «لِلغَائبِينَ» می‌باشد و صیغه‌های «لِلغَائبِينَ، لِلْمَخَاطِبِينَ، لِلْمَخَاطِبِينَ» هم شبیه به هماند.

۱۲- گزینه «۴»

«کان» با فعل مضارع، ماضی استمراری می‌شود.

۱۳- گزینه «۳»

«لم» با فعل مضارع، معنای ماضی منفی می‌دهد.

۱۴- گزینه «۱»

«کان» با فعل ماضی، ماضی بعید می‌شود. در گزینه (۲) «مَرَفِتم» ماضی استمراری، در گزینه (۴) «رَفْتَهَام» ماضی نقلی است و گزینه (۱) نیز هر چند ماضی بعید است اما چون متکلم وحده را به صورت مخاطب ترجمه کرده، اشتباه می‌باشد.

۱۵- گزینه «۳»

هرگاه پس از فعل «کان» اسم باید، فعل «کان» به صورت مفرد بکار می‌رود و فقط از نظر جنس (مذکور، مؤنث) با اسم و فعل پس از خود مطابقت می‌کند.

۱۶- گزینه «۳»

«لم + فعل مضارع» از نظر معنا معادل «ما + فعل ماضی» است.

۱۷- گزینه «۳»

همزه فعل امر در باب افعال، مفتوح (-) است و «ن» در صیغه‌های (۶ و ۱۲) به هنگام مجزوم شدن حذف نمی‌شود.

۱۸- گزینه «۴»

همان‌طور که بعداً خواهیم خواند «ن» در این دو صیغه نون عوض رفع نیست، بلکه ضمیر است.

هرگاه دو جمله به گونه‌ای پشت‌سر هم بیانند که فعل هر دو در معنای ماضی باشند، فعل ماضی در جمله دوم را به صورت ماضی بعید ترجمه می‌کنیم. تنها گزینه (۴) فعل «لم تَشْفَ» را که پس از فعل ماضی «زُرْتُ» در جمله‌ی اوّل آمده، به صورت ماضی بعید ترجمه کرده است و فعل مضارع منصوب «لِتَسْتَرِيَحَ» فقط در این گزینه به صورت مضارع التزامی ترجمه شده است.

۱۹- گزینه «۴»

علاوه بر اشتباهات دیگر در سایر گزینه‌ها، تنها گزینه‌ای که مضارع منصوب به «لَن» (لَن ننسی) را آینده منفی ترجمه نموده، گزینه (۴) است.

۲۰- گزینه «۴»



## فوتو و فن عربی

در گزینه‌های (۳) و (۴) «کنّا نذهب» و «کنّا أذهب» ماضی استمراری‌اند (کان + فعل مضارع) نه ماضی بعید (رفته بودیم) و در گزینه (۴) «کان» با فعل مضارع پس از خود از نظر صیغه نیز مطابقت ندارد، در گزینه (۲) نیز فعل «کان» با فعل ماضی پس از خود از نظر صیغه مطابقت ندارد. (البته این گزینه‌ها اشتباهات دیگری نیز دارند).

در گزینه‌های (۱) و (۴) «کان + فعل ماضی»، ماضی بعید است و «می‌گفتی» ماضی استمراری است و در گزینه (۳) علاوه بر اینکه فعل شرط و جواب شرط باید مجزوم باشند، صیغه فعل‌هایش «للمخاطبین» است در صورتی که نیاز به متکلم مع‌الغیر داریم.

**پیاد آوری** «إن، من، ما، متى و ...» هرگاه بر سر دو جمله بیایند، فعل اول را به عنوان فعل شرط و فعل دوم را به عنوان جواب شرط مجزوم می‌کنند.

دو گزینه (۳) و (۴) علاوه بر اشتباهات دیگر، مضارع منصوب به «لَن» (لن یغرق) را به صورت آینده منفی ترجمه نکرده‌اند و گزینه (۲) نیز جمله را شرطی ترجمه کرده است.

فعل‌های این گزینه ماضی‌اند، در صورتی که با توجه به عبارت باید به صورت مضارع می‌آمدند.

«إذا» در این عبارت از ادوات شرط (غيرعامل) است، بنابراین در ترجمه، معنای شرطی باید حفظ شود. از طرفی در جملاتی که معنای شرطی دارند، افعال شرط و جواب شرط چه ماضی و چه مضارع باشند، به صورت مضارع ترجمه می‌شوند. (فعل شرط غالباً به صورت مضارع التزامی و جواب شرط به صورت مضارع اخباری یا آینده).

المعلمون: معلمان / يُشجّعون: تشويق می‌کنند / طلابهم: دانش‌آموزان خود را / إلى: به / التمنع: بهره بردن / مِن: از / فُرُصُ الخير: فرصت‌های خوب / و: و / إغتنامها: غنیمت شمردن آنها

ینجی: نجات می‌دهد / المعلم: معلم / شعبه: ملت خود را / مِن: از / الجهل: نادانی / يواصل: ادامه می‌دهد / رسالت‌های مهم خویش را / لتحقيق: برای به انجام رساندن / اهدافه: اهدافش

در عربی هرگاه اسمی همزمان، هم مضافق‌الیه و هم صفت داشته باشد، ابتدا مضافق‌الیه و سپس صفت آن می‌آید؛ اما در فارسی ابتدا صفت و بعد مضافق‌الیه ترجمه می‌شود: «رسالت‌های مهم» رسالت مهم او».

هر دو فعل عبارت، ماضی‌اند؛ بنابراین گزینه (۱) که فعل آن به صورت مضارع آمده، نادرست است. در گزینه (۳) عبارت «أخذ يخاف» به معنای «شروع به ترسیدن کرد» است که معادلی در عبارت سؤال ندارد، از طرفی «قد + ماضی» ماضی نقلی می‌سازد و هم‌چنین بنا به ترجمه نادرست «عکس العمل» گزینه (۴) نیز نادرست است. (عکس العمل: رد الفعل)